



نیزه جنوبی

وضعیت مادر و پیچیده شد



معتقد به تداوم ایران

درباره عبدالحسین زرین کوب



راهنمای چپ

ابراهیم رزاقی درگذشت



صدرنشینی سودانی

انتخابات عراق پایان یافت
اما هیچ گروهی نتوانست اکثریت پارلمان را
به دست آورد

سرمقاله

آدرس غلط ندهیم

دولت نیازمند جسارت و خطشکنی است



سیدحسین مرعشی

دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران

در شرایط حساس و پیچیده امروز، استعفای رئیس‌جمهور نه خواسته اصلاح‌طلبان است و نه هیچ جریان سیاسی دیگری. کشور اکنون در مرحله‌ای است که بیش از هر چیز به ثبات، ابتکار عمل و همکاری قوای مختلف نیاز دارد. دولت نیز بیش از هر زمان دیگری نیازمند ابتکار، جسارت در خطشکنی و تکیه بر تدبیر، درایت و نظرات دقیق کارشناسی برای مواجهه با مشکلات است.

با توجه به وضعیت فعلی کشور، طرح همه‌ها علیه دولت و طرح مسأله استعفای رئیس‌جمهور، انحرافی و بی‌فایده است. اکنون دیگر بحث اصلاح‌طلب و اصولگرا مطرح نیست. واقعیت این است که کشور با مجموعه‌ای از مشکلات جدی و انباشته رویه‌روست؛ مشکلاتی که ریشه آنها نه در دولت فعلی بلکه در روند اداره کشور طی سال‌های گذشته، تحریم‌های ظالمانه و تنش‌های بین‌المللی همچنین تنش‌ها و اختلالات مدیریتی داخلی نهفته است. همین مسائل نیز کشور را به نقطه فعلی رسانده و موجب انباشت مشکلات و ناترازی‌ها در حوزه‌های مختلف شده است.

بنابراین موج‌سواری برخی بر موضوع استعفای رئیس‌جمهور بیش از آنکه جدی باشد، نوعی ساده‌سازی مسأله است. برخلاف تصور این گروه‌ها که گمان می‌کنند با جابه‌جایی افراد یا حذف یک چهره اجرایی می‌توان مشکلات را حل کرد، واقعیت این است که امروز بیش از هر چیز به هماهنگی قوای سه‌گانه و جسارت مدیریتی بسیار بیشتر از وضع موجود نیاز داریم زیرا تنها با همکاری، انسجام و رویکردی عملیاتی می‌توان به سوی حل مشکلات حرکت کرد.

رئیس‌جمهور نیز باید دایره استفاده از مدیران متخصص، کارآموده و کارشناسان را گسترش دهد، مشورت‌های دقیق‌تر و بیشتری بگیرد و اراده جدی‌تری در اعمال تصمیمات داشته باشد. در مقابل، قوای دیگر نیز باید با تمام توان از دولت پشتیبانی کنند. تمام سیاسیون، فارغ از گرایش‌ها، موظفانند از رئیس‌جمهور منتخب مردم حمایت کنند. در عین حال دولت نیز در صورت نیاز می‌تواند و لازم است، دست به تغییرات و خانه‌تکانی‌های مدیریتی بزند.

تلخ است اما باید پذیرفت که زندگی مردم امروز شیرین نیست؛ همان‌طور که دولت با ناترازی میان درآمد و هزینه‌هایش دست‌به‌گریبان است، میان حقوق کارگران و کارمندان و هزینه‌های زندگی نیز تناسب وجود ندارد. برای غلبه بر این وضعیت، دولت باید به ابتکارات جدید دست بزند، با جسارت خطشکنی کند و البته با تدبیر، درایت و بهره‌گیری از نظرات دقیق کارشناسی به سمت مشکلات هجوم ببرد.

در این میان نیز ضروری است که هیچ‌یک از سیاستمداران کشور، چه در جبهه اصلاحات و چه در جبهه اصولگرایی، رادحل‌های نشدنی و غیرواقعی ارائه ندهند بلکه همه باید اعلام آمادگی کنند که برای تحقق اهداف دولت و اجرای برنامه‌های ضروری کشور کمک کنند. شاید با بسیج عمومی، ورود نیروهای تازه‌نفس به دولت و استفاده از مدیران جسور و خطشکن به‌ویژه در عرصه اقتصادی، بتوان بخشی از مشکلات را کاهش داد و مسیر حرکت کشور را از روند فرسایشی فعلی به مسیر تکاملی و رشد تغییر داد. امروز حفظ اتحاد و انسجام ملی یک ضرورت است. نباید با دامن زدن به موضوعات اختلاف‌برانگیز، آدرس غلط ندهیم و بر مشکلات موجود بیفزاییم.

سیدمحمد خاتمی در پیامی به کنگره انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها مطرح کرد:

دولت اختیاراتش را پس بگیرد

وضع اگر بدتر نشده باشد، بهتر هم نشده است • فقر و فساد، روزافزون شده است • روزنه‌های امید در حال مسدود شدن است • دولت نمی‌تواند مدیران مورد خواست خود را به کار بگیرد • رئیس‌جمهور از اختیارات محدود خود استفاده کند • باید نگاهمان در سیاست خارجی تغییر کند • نیازمند دیپلماسی واقع‌بین و آگاه و شجاع هستیم • باید از دولت حمایت کرد • به‌جای انتقاد طلبکارانه از دولت، راهکار به آن بدهید

گروه سیاسی: بیست‌ویکمین مجمع عمومی و ششمین کنگره سراسری انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها، صبح پنج‌شنبه‌ای که گذشت با هدف بررسی مسائل دانشگاهی، نقش‌نخبگان در سیاست‌گذاری اجتماعی و بازتعریف جایگاه دانشگاه در تحولات کشور در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برگزار شد. در این مراسم که با حضور چهره‌های شناخته‌شده دانشگاهی و سیاسی اصلاح‌طلب برگزار شد، گزارشی از دیدار کمیته برگزاری کنگره با رئیس‌دولت اصلاحات، ارائه شد و پیام وی خطاب به اعضای مجمع عمومی انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه‌ها توسط علی‌محمد حاضری قرائت شد. همچنین در این جلسه هادی خانیکی، محسن امین‌زاده و غلامرضا ظریفیان به سخنرانی پرداختند.

ادامه در صفحه ۲



احزاب

کمیته سیاسی جبهه اصلاحات ایران: اصلاح طلبی امروز نمی تواند همان اصلاح طلبی دهه ۲۰ باشد

گروه سیاسی: کمیته سیاسی جبهه اصلاحات ایران به پرسش «در این شرایط بسیار خطر چه باید کرد؟» که در دیدار اخیر اعضای مجمع عمومی این جبهه با سیدمحمد خاتمی ارائه شد، پاسخ داد و نوشت: جناب آقای خاتمی! کمیته سیاسی در جمع بندی خود بر این باور است که ما اکنون در یکی از حساس ترین و خطرناک ترین مقاطع تاریخ معاصر ایران ایستاده ایم. تحریم های شورای امنیت بازگشته، روابط خارجی کشور محدود شده، فشار اقتصادی بر مردم به مرز بحران معیشتی رسیده و نارضایتی اجتماعی در حال انباشت است. در عین حال در مواجهه با این بحران ها، کمتر به سمت گفت وگو و اصلاح پیش رفته ایم و بیشتر بر حفظ وضع موجود تأکید شده است. جامعه خسته است و به نظر می رسد، دولت در مدیریت این شرایط با مشکلات و ضعف در تصمیم گیری و اجرا مواجه است و ملت میان احساس ناامنی و نگرانی نسبت به آینده سرگردان. در چنین وضعیتی، پرسش اساسی برای ما اصلاح طلبان این است: چه باید کرد؟ آیا باید نظاره گر کاهش تدریجی اعتماد ملی باشیم؟ یا باید با نگاهی نو، رسالت تاریخی خود را بازتعریف کنیم و بار دیگر به نیروی برای نجات ایران تبدیل شویم؟ به نظر کمیته سیاسی، اصلاح طلبی نه پایان یافته و نه بی اثر شده است اما به شدت نیازمند تغییر در رویکرد و پارادایم کنشگری است. اصلاح طلبی امروز نمی تواند همان اصلاح طلبی دهه ۲۰ باشد. آن گفتمان در بستر امید، امکان و اعتماد شکل گرفته بود؛ اما امروز ما در شرایطی به سر می بریم که با فشارهای اقتصادی و اجتماعی محدودیت در فرصت های اصلاح و گفت وگو مواجهیم. بنابراین اگر اصلاح طلبی بخواهد معنا و اثر تازه ای بیابد باید از مثنی قدرت محور به جامعه محور و از اصلاح طلبی محافظه کارانه به اصلاح طلبی مسئولانه و اخلاقی گذر کند. یعنی باید از انتظار برای گشایش از بالا به ساختن ظرفیت اجتماعی و فرهنگی از پایین روی آوریم. پرسش مهم این است که آیا در سطوح رسمی و جامعه، گوش شنوا وجود دارد؟ در پاسخ باید گفت: در سطوح رسمی شاید فرصت گفت وگو محدود باشد اما در جامعه هنوز امید زنده است؛ نه به افراد و جناح ها بلکه به امکان نجات ایران از مسیر عقلا نیت، عدالت و گفت وگو. مردم ممکن است از اصلاح طلبان ناامید شده باشند اما هنوز از اصلاح به عنوان راه، دست نکشیده اند. اگر ما بتوانیم نشان دهیم که اصلاح طلبی یعنی صداقت، شجاعت و مسئولیت پذیری در برابر رنج مردم این گوش شنوا دوباره بازخواهد گشت. در شرایط کنونی، کمیته سیاسی پنج اقدام اساسی را به عنوان مسیر خروج از وضعیت موجود و احیای نقش اصلاح طلبان پیشنهاد می کند: (الف) نخستین و بنیادی ترین کار، بازگشت به جامعه است. اصلاح طلبی باید از اتاق های سیاست به میدان زندگی مردم بازگردد. ما باید در کنار گروه های اجتماعی، صنفی، زنان، معلمان، کارگران و جوانان باشیم، دردشان را بشنویم، نه برای شعار دادن بلکه برای یادگیری و همراهی. بدون حضور میدانی و بدون گفت وگو با جامعه، هیچ اصلاحی پایدار نخواهد ماند. (ب) اصلاح طلبی باید در این مرحله از سطح جناحی فراتر رود و به حرکتی فراگیر برای نجات ایران از بحران تبدیل شود. گفتمانی که هدفش، حفظ تمامیت ایران، جلوگیری از خشونت داخلی و بازسازی اعتماد عمومی باشد. این به معنای پیشنهاد راه حل هایی عملی و قابل اجرا برای عبور کشور از بحران است: اصرار بر دیپلماسی، شفافیت در مدیریت، مبارزه با فساد و کاهش تنش های داخلی و خارجی. (ج) مردم به اصلاح طلبان زمانی اعتماد می کنند که مرکز اخلاقی ما با قدرت روشن باشد. هیچ اصلاحی بدون صداقت ممکن نیست. ما باید صریح بگوییم که در برابر بی عدالتی و محدودیت های نا عادلانه ایستاده ایم و برای استمرار اصلاح طلبی، پذیرش برخی دشواری ها، بخشی از مسیر است. (د) یکی از آفت های سال های گذشته، تبدیل اصلاح طلبی به نوعی سیاست توجیه بود؛ توجیه ناکامی ها، توجیه سکوت ها و توجیه خطاها. زمان آن رسیده است که اصلاح طلبی به جای دفاع از گذشته به نقد صادقانه خود بپردازد. ما باید بپذیریم که در مقاطعی دچار خطا شدیم؛ در همراهی با مردم کوتاهی کردیم و اکنون تنها راه بازایای اعتماد، گفتن حقیقت است. (ه) اصلاح طلبی باید خود را از نظر ساختار نیز نوسازی کند. نسل جدید باید در تصمیم گیری ها حضور واقعی داشته باشد. جبهه اصلاحات باید باز، شفاف و پاسخگو شود. نمی توان از دموکراسی سخن گفت و در درون جبهه، رفتار غیردموکراتیک داشت. جناب آقای خاتمی! امروز اصلاح طلبی اگر بخواهد بماند باید با اصلاح خود آغاز کند. ما دیگر نمی توانیم منتظر اصلاح دیگران باشیم، وقتی خودمان تغییر نکرده ایم. اصلاح طلبی جدید باید نه فقط در حرف بلکه در کنش و سبک زندگی سیاسی اش متفاوت باشد. اصلاح طلبی اگر از درد مردم، از خشم و امید مردم فاصله بگیرد، دیگر اصلاح طلبی نیست. ما باید در کنار مردم باشیم نه فقط برای آنان سخن بگوییم. در شرایطی که کشور با فشار تحریم ها، تهدید خارجی و چالش های داخلی در پیشبرد اصلاحات و سیاست ها مواجه است، تنها نیروی می تواند ایران را نجات دهد که هم عاقل باشد و هم اخلاقی و این دو ویژگی، ریشه های واقعی اصلاح طلبی اند. بنابراین پاسخ ما به پرسش «چه باید کرد؟» روشن است: باید اصلاح طلبی را از نو بسازیم؛ باید از قدرت فاصله بگیریم تا به مردم نزدیک شویم؛ باید از محافظه کاری عبور کنیم تا صادق باشیم؛ و باید به جای انتظار، خود آغازگر تغییر شویم. در کنار همدلی و همراهی و انسجام داخلی، اگر چنین کنیم، اصلاح طلبی پایان نیافته بلکه تازه آغاز می شود.

ادامه تیتربیک

دولت اختیاراش را پس بگیرد



این کار اولاً باید با برنامه ریزی معقول و عملی ثانیاً از سوی همه ارکان حکومت باشد. انتظار بوده و هست در جهت تحقق وعده های رئیس جمهور محترم به مردم از جمله اصلاح وضع ناگوار اینترنت که بخش قابل توجهی از زندگی روزمره و اقتصادی و اجتماعی مردم به آن وابسته است، گام های محکم تر و ثمربخش تری برداشته شود. در همه این زمینه ها اگر وضع بدتر نشده باشد، بهتر نشده است. احضار و فراخواندن و حتی محاکمه بسیاری از سیاست و اصحاب رسانه و فکر و حتی شخصیت های معتبر و امتحان داده، زیادت هر شده است. سخن های تهدیدآمیز و تحریک کننده به خصوص از تریبون های رسمی و تکیه روی شعارهای نابجا، روزنه های امید را مسدود می کند. اشراف و دخالت های بیش از حد دستگاه های امنیتی (و احیاناً نظامی) نه تنها بر همه ارکان حکومت که بر مردم و نهادهای عادی و غیردولتی بر دامنه مشکلات می افزاید؛ و حتی راه را بر خدمات مورد انتظار دولت می بندد. همه دشمنی ها و دشمن ها را در داخل دیدن و به این بهانه مردم و نهادهای از حقوق مسلم خود محروم کردن و غفلت از تهدیدهای بیرونی که امنیت و آرامش را از حکومت و مردم گرفته، اساس نادرستی است که اگر اصلاح نشود بیش از پیش کشور و مردم و حتی حکومت زیان خواهد دید».

دانشگاه و مسئولیت اجتماعی
در ادامه این مراسم، هادی خانیکی، عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی با تأکید بر اینکه امروز باید بیشتر از هر دوره ای درباره مسئولیت اجتماعی دانشگاه سخن گفت و به دنبال احیای امید اجتماعی بود، تأکید کرد: «اما باید بدانیم پیش از آن خودمان تغییر کرده ایم؛ اما نمی پذیریم. ما از نسلی که زندگی آرمانی داشت به نسلی رسیدیم که آرمانش زندگی شده است. باید به سمت بازسازی شیوه فهم و گفت وگو با جامعه حرکت کنیم همچنین عقلانیت ارتباطاتی را ترویج دهیم».

محسن امین زاده، معاون پیشین وزارت امور خارجه نیز در سخنانی تصریح کرد: «حکومت باید تکلیف خودش را با جهان بر مبنای منافع ملی ایران در جهت تحقق پیشرفت و توسعه در ایران روشن کند. ایران باید سیاست خارجی خودش را تعدیل و مثل همه کشورهای جهان و مثل کشورهای مخالف آمریکا از جمله چین و روسیه عمل کند. ایران باید با حفظ فاصله ها، مناسباتش را با غرب متعادل کند و دشمنی هایش با آمریکا و حتی اسرائیل را تبدیل به خودزنی و تخریب مصالح ملی نکند».

غلامرضا ظریفیان، معاون پیشین وزیر علوم نیز با اشاره به اینکه در ۱۰ سال اخیر ۱۲ هزار استاد دانشگاه از ایران خارج شده اند که این ۶۰ درصد آن برای چهار سال اخیر است، گفت: «ما اصلاح طلبان جایی که لازم باشد از دولت دفاع می کنیم؛ چون می دانیم چه اتفاقاتی افتاد. ولی الان در کلان این نگاه استراتژیک وجود دارد که می خواهند دانشگاه را به سمت استقلال ببرند و امیدوارم تا قبل از سال جدید اتفاقات خوبی بیفتد».

در پایان این مراسم همچنین مجمع عمومی انجمن مدرسین با حضور اکثریت اعضا برگزار شد و پس از ارائه گزارش دبیرکل، دفتر انجمن و بازرسان، انتخابات شورای مرکزی و بازرسین انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه ها برای دوره جدید برگزار و رأی گیری برای تغییرات اساسنامه نیز انجام شد. نتایج انتخابات شورای مرکزی و بازرسین انجمن مدرسین به ترتیب آراء به این شرح است: اعضای اصلی: محمود صادقی، داود سلیمانی، علی محمد حاضری، ژاله حساس خواه، محسن صنیعی، غلامعلی رجایی، حسن دادخواه، مراد کاویانی راد، فرهاد درویشی، مریم احمدی گیوی، خدیجه سفیری، وحید سینایی، منصور افشارمحمدیان، حسن جعفریانی، مجتبی بدیعی، گودرز صادقی، مختار جلالی، محمد مهدی مرادی خلج، کبری روشنفر، محمدحسین ودیعی و فرید براتی. اعضای علی البدل: محمدتقی فراهانی، مهناز کسمتی، احمد خواجه، غریب فاضل نیا، محمدعلی صنیعی منفرد، محمدجواد نجفی، عزیزالله تاجیک اسماعیلی و بازرسان: فرامرز میرزایی، جمال رضایی، سیدحمید هاشمی و علی حاجی کتایی.

این کار اولاً باید با برنامه ریزی معقول و عملی ثانیاً از سوی همه ارکان حکومت باشد. انتظار بوده و هست در جهت تحقق وعده های رئیس جمهور محترم به مردم از جمله اصلاح وضع ناگوار اینترنت که بخش قابل توجهی از زندگی روزمره و اقتصادی و اجتماعی مردم به آن وابسته است، گام های محکم تر و ثمربخش تری برداشته شود. در همه این زمینه ها اگر وضع بدتر نشده باشد، بهتر نشده است. احضار و فراخواندن و حتی محاکمه بسیاری از سیاست و اصحاب رسانه و فکر و حتی شخصیت های معتبر و امتحان داده، زیادت هر شده است. سخن های تهدیدآمیز و تحریک کننده به خصوص از تریبون های رسمی و تکیه روی شعارهای نابجا، روزنه های امید را مسدود می کند. اشراف و دخالت های بیش از حد دستگاه های امنیتی (و احیاناً نظامی) نه تنها بر همه ارکان حکومت که بر مردم و نهادهای عادی و غیردولتی بر دامنه مشکلات می افزاید؛ و حتی راه را بر خدمات مورد انتظار دولت می بندد. همه دشمنی ها و دشمن ها را در داخل دیدن و به این بهانه مردم و نهادهای از حقوق مسلم خود محروم کردن و غفلت از تهدیدهای بیرونی که امنیت و آرامش را از حکومت و مردم گرفته، اساس نادرستی است که اگر اصلاح نشود بیش از پیش کشور و مردم و حتی حکومت زیان خواهد دید».

خاتمی افزود: «آیا دردآور نیست که دولت نتواند، مدیران مورد خواست خود را به کار گیرد و با مانع بزرگی به نام تأیید به اصطلاح صلاحیت ها روبه رو شود و این امر ناروا متأسفانه برای بسیاری از مشاغل و خدمات غیردولتی و عملی و مدنی هم وجود دارد؛ و شگرف اینکه بیشتر مانع از سوی دستگاه های است که وابسته به دولت هستند. می دانم که نظر رئیس جمهور و مواضع درست ایشان چیست اما در عمل مشکل نه تنها حل نمی شود که روزبه روز بیشتر هم می شود و با این احوال نمی شود، انتظار داشت که دولت خدمات خود را به درستی ارائه دهد و بیش و پیش از هر جا و هر کس انتظار از رئیس جمهور محترم است که در این امر، چاره اندیشی و از اختیارات محدودی که دارند، استفاده کنند». وی در بخش دیگری از پیام خود چند توصیه به مدرسین دانشگاه ها کرد و گفت: «خود دانشگاه ها در مسیر نوآوری و خلاقیت و نظریه پردازی در همه زمینه های اقتصادی، فنی، سیاسی و فرهنگی روزآمد شوند و این امر در صورتی میسر است که اندیشه ورزی در دانشگاه ها در همه زمینه نه تنها آزاد که مورد تشویق و حمایت باشد و نیز مدیریت ها از متن خود دانشگاه ها و مراکز آموزشی و پژوهشی برآیند و نیز مراکز علمی - دانشگاهی بتوانند با مراکز جهانی مشابه، مرآوده کارساز داشته باشند و همین امر نیز در گرو داشتن سیاست خارجی درست است».

خاتمی با تأکید بر اینکه اگر خیر کشور و مردم و اعتلا و اقتدار میهن را می خواهیم و حتی برای اینکه حرفمان در دنیا شنیده شود و آرمان هایی که خیر بشر در آن است، بیان کنیم باید هدف اصلی همه به خصوص نظام حکمرانی عبارت باشد از برخوردار کردن کشور از اقتصاد قوی و مبارزه اساسی و پیگیر با فقر و فساد و تبعیض نه در شعار که در عمل عالمانه و بهبود وضع تولید و عدالت و کسب رضایت مردم گفت: «برای این کار علاوه بر عوض کردن نگاه خود در روابط خارجی باید با برخورداری از دیپلماسی فعال، واقع بین و آگاه و شجاع که خط قرمزش تأمین عزت میهن و مصالح ملی و رفع تنگناها و محدودیت ها از جمله تحریم ها که بر اقتصاد و معیشت و حتی توان نظامی، اثر منفی داشته است، پیش رفت». رئیس دولت اصلاحات همچنین تذکری به اعضای انجمن اسلامی مدرسین دانشگاه ها داد و خطاب به آنها تصریح کرد: «باید دولت را حمایت کرد. دولتی که با مشکلات و موانع فراوان

طبق گزارش کمیته برگزاری کنگره در ابتدای این دیدار، اساتید نکاتی را مطرح کرده و از نگرانی های خود از شدت گرفتن سقوط فرهنگی جامعه ایرانی گفته و مقرر این امر را شورای عالی انقلاب فرهنگی کشور دانستند. همچنین به مشکلاتی که در راه وفاق دولت آقای پزشکیان است، اشاره کردند و از رئیس دولت اصلاحات خواستند تا راه حلی برای خروج از بحران کشور ارائه و در بیانیه ای مسیر عبور از بحران و اصلاح کشور را مشخص کند تا با میدان داری ایشان همه گروه های اصلاح طلب در حمایت از بیانیه ایشان و برای نجات کشور با یکدیگر متحد شوند. موضوع توسعه و توسعه سیاسی در ایران، نکته دیگری بود که مطرح و اشاره شد که ویژگی اصلی توسعه این است که تدریجی است و یکباره اتفاق نمی افتد و در مقابل عدم توسعه یا توسعه نیافتگی است. آنها همچنین تأکید کردند که اگر ایمن مورد به عنوان اصل راهنما در نظر گرفته شود، خاتمی پیش از این گفته که رویکرد ما با نظام تعاملی است، با حفظ ارزش های اصلاح طلبانه اما اکنون رویکرد توسعه به رویکرد دوگانه آزادی و استبداد و تعامل نیز به مبارزه سیاسی تبدیل شده است. در نهایت نیز پیشنهاد شد که با توجه به شرایط فعلی سیاسی در داخل و خارج از کشور که از مدارا کردن و مفهوم مدارا، که سابقه طولانی در ایران دارد، در سیاست خارجی بهره برده شود.

اصلاحات و قدرت ملی

خاتمی در پیام خود به این کنگره با طرح پرسشی مبنی بر اینکه ملت بزرگ ایران که آزادی خواهی و استقلال طلبی و فسادستیزی و ضدیت با تبعیض، هدف مهم و آرمان تاریخی او به خصوص در ۱۵۰ سال گذشته از جمله در انقلاب اسلامی بوده اینک در چه موقعیتی است؟ گفت: «جا دارد از خود پرسیم که آیا رویکردها و رویه های اتخاذ شده پس از انقلاب چه در داخل با مردم و چه در روابط خارجی درست بوده و نتیجه مطلوب برای ملت داشته است؟»

خاتمی در ادامه می گوید: «هدف اصلی که در دسترس است، ساختن ایران قوی و برخوردار کردن میهن از اقتصاد نیرومند و رفع فقر و فساد که متأسفانه روزافزون می شود و افزایش و بهبود وضع تولید و گسترش عدالت به خصوص در رابطه حکومت با مردم و فراهم آوردن زمینه استیفای حق حاکمیت بر سرنوشت برای ملت و روزافزون کردن اقتدار و عزت ملی و احترام بین المللی و توان ظرفیت بهره گیری از همه امکانات داخلی و خارجی برای توانمند کردن کشور و جامعه است، از جمله در دنیای کنونی، روابط خارجی معقول و توانمند با اهداف روشن و روش های منطقی بسیار مهم است». وی با بیان اینکه در روابط منطقه ای اخیراً پیشرفت ها و رویه های قابل قبولی بوده اما کافی نیست و این بهبود باید با همه عالم با حفظ استقلال و عزت ملی و از سوی همه ارکان حاکمیت باشد، می گوید: «وقتی از اقتدار سخن می گویم، طبیعی است که قدرت نظامی، جایگاه خاص خود را دارد. آن هم برای دفاع از تمامیت ارضی و استقلال و تأمین منافع ملی. چنانکه در جنگ ۱۲ روزه دیدیم که با وجود محرومیت های فراوان که بر ما تحمیل شده بود یا بعضاً ناشی از عملکردهای نادرست خودمان بود و حمایت همه جانبه ای که رژیم صهیونیستی از قدرت ها داشت، توان موشکی ما که حاصل دانش و کارآمدی ملی و بومی بود، تاثیر زیادی در ناکام گذاشتن دشمن از اهداف پلیدش داشت. همین قدرت و توان نیز در صورتی پایدار خواهد بود که اولاً متکی بر اقتصاد نیرومند و دانش قوی باشد ثانیاً رضایت مردم و امیدواری آنان به آینده بهتر، پشتوانه نظام حکمرانی و نیروهای مسلح باشد و با محوریت یک دیپلماسی هوشمند و ملی و واقع نگر و محکم ولی انعطاف پذیر، امور اداره شود».

رئیس دولت اصلاحات یادآور شد: «پس از جنگ تجاوزکارانه علیه ایران و شهادت و پایداری و انسجامی که همه نیروهای خیرخواه میهن و ملت از خود نشان دادند، انتظار می رفت که برای قدردانی از این مردم شریف، گشایش های بیشتر و امیدبخش تری در کار مردم ایجاد شود. البته تنگناهای اقتصادی و معیشتی جامعه که ریشه های سخت و علت های مزمنی دارد یک شبه قابل حل نیست اما مطمئناً با رویکردهای عدالت محور و واقع نگری به خصوص با بهبود روابط خارجی اولاً امید مردم به بهبود امور بیشتر می شود ثانیاً در میان مدت هم آثار خوب این رویه آشکار خواهد شد».

رئیس جمهور اسبق در ادامه با بیان اینکه انصاف باید داد که دولت در هنگامه جنگ و پس از آن سعی خود را در راضی نگاه داشتن مردم کرد و می کند، تأکید کرد: «ولی

نیزه جنوبی

عملیات نظامی یا جنگ روانی علیه مادورو؟

گروه بین‌الملل: اعلام رسمی آغاز عملیات «نیزه جنوبی» توسط پیت هگست، وزیر جنگ آمریکا بار دیگر آمریکای لاتین را درگیر یک بحران تازه کرده است؛ بحرانی که واشنگتن آن را با بهانه «مبارزه با تروریسم مواد مخدر» توجیه می‌کند. هگست با انتشار پستی در شبکه‌های اجتماعی نوشت: «ترامپ دستور اقدام داد و وزارت جنگ در حال اجراست. امروز من عملیات نیزه جنوبی را اعلام می‌کنم. این مأموریت که به رهبری نیروی مشترک و فرماندهی جنوب ایالات متحده انجام می‌شود از سرزمین ما دفاع می‌کند، تروریست‌های مواد مخدر را از نیمکره ما حذف می‌کند و کشورمان را از مواد مخدري که مردم ما را می‌کشد، ایمن می‌سازد. نیمکره غربی محله آمریکاست و ما از آن محافظت خواهیم کرد».

در همین حال لیندسی گراهام، سناتور آمریکایی، مدعی شده که «روزهای مادورو به پایان رسیده» و هشدار داده که پس از ونزوئلا، کوبا و کلمبیا نیز ممکن است در فهرست اقدامات احتمالی آمریکا قرار بگیرند. گراهام با یادآوری تجربه سال ۱۹۸۹ افزود: «به یاد داشته باشید چگونه بوش پدر، نوریگا، رهبر پاناما را سرنگون کرد».

منابع مطلع به شبکه «سی‌بی‌اس نیوز» گزارش داده‌اند که

مقامات ارشد نظامی آمریکا شامل رئیس ستاد مشترک و وزیر جنگ، روز پنج‌شنبه دونالد ترامپ را در جریان برنامه‌های بازنگری شده برای عملیات احتمالی در ونزوئلا قرار دادند. این برنامه‌ها شامل حملات زمینی، پشتیبانی هوایی و حضور گسترده ناوگان دریایی است. هرچند تصمیم نهایی هنوز گرفته نشده اما اطلاعات جمع‌آوری شده توسط سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا برای شکل‌دهی این گزینه‌ها استفاده شده است. برخی از مقامات ارشد از جمله مدیر اطلاعات ملی و وزیر خارجه به دلیل سفرهای خارجی در جلسات حضور نداشتند. ابهام در رسانه‌های آمریکایی همچنان ادامه دارد و هنوز مشخص نیست که هدف از این عملیات، حمله نظامی در داخل خاک ونزوئلاست یا خیر. با این حال ناو هواپیمابر USS Gerald Ford همراه با گروهی از کشتی‌ها، هواپیماهای نظامی و نیروهای ویژه در منطقه مستقر شده‌اند تا هرگونه عملیات احتمالی را پشتیبانی کنند. یک مقام وزارت دفاع آمریکا نیز اعلام کرد که در جریان یک حمله جدید در اوایل هفته جاری در کارائیب، چهار سرنشین یک قایق کشته شدند. بر اساس آمارها، ایالات متحده از ماه سپتامبر تاکنون ۲۰ حمله از این دست انجام داده است. و دراکشن به تحرکات آمریکا،

خاورمیانه

صدرنشینی سودانی

انتخابات عراق پایان یافت اما هیچ گروهی اکثریت پارلمان را به دست نیاورد



ابوالفضل خدایی

گروه بین‌الملل

انتخابات پارلمانی اخیر عراق با پیشتازی ائتلاف «بازسازی و توسعه» به رهبری محمد شیاع السودانی، نخست‌وزیر، به پایان رسید و این نتیجه، زمینه را برای آغاز رایزنی‌های تشکیل دولت جدید در ماه‌های پیش‌رو فراهم می‌کند. کمیسیون عالی مستقل انتخابات عراق اعلام کرد، میزان مشارکت در انتخابات که روز سه‌شنبه برگزار شد ۵۶ درصد بوده و ۷ هزار و ۷۴۴ نامزد برای تصاحب یکی از ۳۲۹ کرسی پارلمان رقابت کردند. بر اساس داده‌های کمیسیون، ائتلاف السودانی با کسب یک میلیون و ۳۱۷ هزار رأی در صدر نتایج قرار گرفت و پس از آن حزب دموکرات کردستان به رهبری مسعود بارزانی با یک میلیون و ۹۹ هزار و ۸۲۶ رأی در رتبه دوم ایستاد. حزب «تقدم» (سنی)

به رهبری محمد الحلبوسی، رئیس پیشین پارلمان، بیش از ۹۰۰ هزار رأی کسب کرد و جایگاه سوم را به دست آورد. در رتبه چهارم، ائتلاف «دولت قانون» (شیعی) به رهبری نوری المالکی، نخست‌وزیر سابق، با بیش از ۷۰۰ هزار رأی قرار گرفت. کمیسیون انتخابات عراق اعلام کرد که نتایج نهایی انتخابات پارلمانی هفته آینده منتشر خواهد شد، هرچند روز دقیق اعلام نشده است.

نتایج اولیه نشان می‌دهد تنها ائتلاف «بازسازی و توسعه» و حزب «دموکرات کردستان» توانسته‌اند از مرز یک میلیون رأی عبور کنند و سایر احزاب موفق به این سطح از حمایت مردمی نشده‌اند. با این حال تعداد آرا لزوماً با تعداد کرسی‌های کسب شده در پارلمان ارتباط مستقیم ندارد. بر اساس نتایج اولیه، ائتلاف «بازسازی و توسعه» ۴۵ کرسی، ائتلاف «دولت قانون» ۳۰ کرسی، حزب دموکرات کردستان ۲۷ کرسی، حزب «تقدم» ۲۷ کرسی، فراکسیون «صادقون» ۲۶ کرسی، سازمان «بدر» ۱۹ کرسی و ائتلاف «نیروهای دولت» ۱۸ کرسی کسب کرده‌اند، هرچند این اعداد هنوز نهایی نیستند و ممکن است، تغییر کنند.

در حوزه موصل با اکثریت عرب، حزب دموکرات کردستان به رهبری بارزانی، بیشترین آرا را کسب کرد و به شکلی غیرمنتظره در صدر قرار گرفت، در حالی که حزب «تقدم» به رهبری الحلبوسی دوم شد و ائتلاف «بازسازی و توسعه» در رتبه سوم ایستاد.

ترکمان‌ها نیز توانستند دو کرسی در کرکوک از طریق فهرست «جبهه ترکمان عراق» کسب کنند و یک نامزد ترکمان دیگر در موصل پیروز شد. همچنین برای نخستین بار در تاریخ سیاسی عراق، ترکمان‌ها یک کرسی در بغداد به دست آوردند. بالاترین میزان مشارکت در استان دهوک شمالی با ۷۷.۴۷ درصد ثبت شد و کمترین میزان مشارکت در حوزه الرصافة بغداد با ۴۱.۵۵ درصد و استان میسان با ۴۲.۱۵ درصد بود. رییسوار طه، نامزد اتحادیه میهنی کردستان و استاندار فعلی کرکوک با بیش از ۹۶ هزار رأی بیشترین رأی فردی را به دست آورد. با این حال به نوشته برخی منابع، وی انصراف خود از رفتن به پارلمان را اعلام کرده و خواستار ادامه حضور خود به عنوان فرماندار در کرکوک شده است. محمد شیاع السودانی نیز با بیش از ۹۲ هزار رأی دوم شد. محمد الحلبوسی با حدود ۷۲ هزار رأی در رتبه سوم قرار گرفت، نوری المالکی با بیش از ۶۸ هزار رأی چهارم شد و جمال گوجر از حزب اتحاد اسلامی کردستان با بیش از ۵۸ هزار رأی پنجم شد. از



دیگر نتایج عجیب ۴۹ نامزد از سراسر کشور بودند که هر کدام تنها یک رأی کسب کردند. کرسی‌های اقلیت‌های دینی به مسیحیان، ایزدی‌ها، فیلی‌ها، شیک‌ها و صابنه منداب‌ها اختصاص یافت.

با توجه به نتایج اولیه، انتظار می‌رود ائتلاف السودانی برای تشکیل دولت جدید تلاش کند. او پس از اعلام نتایج، آمادگی خود برای گفت‌وگو و مذاکره با تمامی احزاب را اعلام کرد و این فرصت را دارد که با احزاب شیعه، سنی و کرد وارد ائتلاف شود. با این حال ممکن است برخی از احزاب تمایل به نخست‌وزیری مجدد او نداشته باشند و احتمال دارد با ائتلافی از احزاب سنی و کردی دولت جدیدی تشکیل دهند که در این

نیکولاس مادورو، رئیس‌جمهور ونزوئلا در مصاحبه با شبکه خبری «سی‌ان‌ان» به زبان اسپانیایی از مردم ایالات متحده خواست که در بجنبه این عملیات نظامی از کاراکاس و از صلح در قاره آمریکا حمایت کنند. مادورو گفت: «من از مردم آمریکا می‌خواهم که برای صلح در آمریکا متحد شوند. نه به جنگ‌های بی‌پایان، نه به جنگ‌های ناعادلانه، نه به یک لیبی و افغانستان دیگر». او همچنین از دونالد ترامپ خواست که مسیر صلح را دنبال کند و وقتی از احتمال تجاوز نظامی آمریکا پرسیده شد، پاسخ مستقیمی نداد و تأکید کرد که تمرکز دولتش بر حکومتداری صلح‌آمیز است. در حالی که رسانه‌های آمریکایی بارها گزارش داده‌اند که واشنگتن ممکن است، حملاتی علیه تاسیسات کارتل‌های مواد مخدر



در ونزوئلا انجام دهد، ترامپ در ۳۱ اکتبر صراحتاً اعلام کرد که تصمیمی برای حمله به خاک ونزوئلا ندارد. از سوی دیگر دیمیتری اسکوف، سخنگوی کرملین، روز جمعه ۲۳ آبان ماه ابراز امیدواری کرد که آمریکا اقدامی انجام ندهد که اوضاع کارائیب و پیرامون ونزوئلا را بی‌ثبات کند.

کارشناسان امنیتی معتقدند که با وجود تقویت نظامی آمریکا در منطقه، احتمال مداخله نظامی کامل «کم» است و هدف اصلی واشنگتن، فشار سیاسی است تا تغییر رژیم. تحلیلگران هشدار می‌دهند که مادورو می‌تواند با استفاده از تاکتیک‌های «جنگ نامتقارن» هزینه مداخله آمریکا را به شدت افزایش دهد و واشنگتن را در یک باتلاق نظامی و سیاسی گرفتار کند.

انرژی هسته‌ای

خروج برجام از دستور کار آژانس

توافق هسته‌ای بررسی نمی‌شود

با پایان یافتن اعتبار قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل، نشست فصلی جدید شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در هفته پیش رو بدون بررسی نظارت بر توافق هسته‌ای ایران برگزار خواهد شد. نشست فصلی آتی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با پایان یافتن اعتبار قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل که سند قانونی توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ (برجام) میان ایران و گروه ۵+۱ بود از چهارشنبه ۱۹ نوامبر (۲۸ آبان) تا ۲۱ نوامبر (۳۰ آبان) بدون بررسی موضوع نظارت بر اجرای توافق هسته‌ای در ایران برگزار خواهد شد. طبق اطلاعیه منتشر شده در وبگاه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، نشست از ساعت ۱۰ به وقت اروپای مرکزی-۱۲:۳۰ به وقت تهران- با قرارت بیانیه «رافائل گروسی» مدیرکل آژانس آغاز خواهد شد. گروسی سپس ۱۲:۳۰ به وقت وین قرار است در کنفرانسی خبری به سوالات خبرنگاران پاسخ دهد. طبق اطلاعیه آژانس، دستور کار نشست شورای حکام شامل موضوعاتی از جمله بررسی درخواست‌های عضویت در آژانس، گزارش کمیته کمک‌های فنی و همکاری؛ ایمنی هسته‌ای و تشعشع، پیش‌نویس «الزامات ایمنی» مقررات حمل‌ونقل ایمن مواد رادیواکتیو؛ «راستی‌آزمایی هسته‌ای: انعقاد توافقات‌های پادمانی و پروتکل‌های الحاقی (در صورت وجود)»، اجرای پادمان‌ها در کره شمالی، اجرای توافقات پادمانی منع اشاعه تسلیحات اتمی (ان‌پی‌تی) در جمهوری عربی سوریه، «پیش‌رانه هسته‌ای دریایی: استرالیا»، «پیش‌رانه هسته‌ای دریایی: برزیل»، توافق پادمانی ان‌پی‌تی با جمهوری اسلامی ایران؛ ایمنی و پادمان‌های هسته‌ای در اوکراین؛ انتقال مواد هسته‌ای در چارچوب پیمان آکوس و پادمان‌های آن در تمامی جنبه‌ها ذیل پیمان ان‌پی‌تی و احیای اصل برابری حاکمیتی کشورهای عضو در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی خواهد بود. آژانس مسؤول نظارت فنی بر اجرای توافق هسته‌ای در ایران بود و در نشست‌های پیشین شورای حکام این موضوع در دستورکار قرار داشت. این در حالی است که اعتبار قطعنامه ۲۲۳۱ در ۱۸ اکتبر (۲۶ مهر) به پایان رسید. آژانس اخیراً در گزارشی اعلام کرد: «دیگر نمی‌تواند به‌طور کامل از وضعیت ذخایر مواد هسته‌ای ایران که پیش‌تر اعلام شده بود، اطلاع دقیق داشته باشد».



گزارش

جذاب‌تر از فرش قرمز

رونمایی از استادان بزرگ بازیگری و شیوه‌های آموزش آن‌ها با ترجمهٔ پیمان معادی



رونمایی از کتاب «استادان بزرگ بازیگری و شیوه‌های آموزش آن‌ها» نوشتهٔ ریچارد پرسوف و ترجمهٔ پیمان معادی عصر روز پنج‌شنبه ۲۲ آبان با حضور جمعی از هنرمندان و منتقدان در کتابسرای راوی برگزار شد.

در آغاز نشست، آرش حیدریان ناشر و نویسنده ضمن قدردانی از تلاش‌های پیمان معادی در ترجمه این اثر گفت: «این ترجمه صرفاً شاید به نوعی به فلسفهٔ زیستن در نقش می‌پردازد. پیمان در مدتی که ما با هم کار کردیم، دقت نظر بالایی داشته است و خیلی تلاش کرده که ترجمهٔ بسیار به متن اصلی کتاب وفادار باشد.»

تجربه‌ای جذاب‌تر از فرش قرمز

در ادامه، پیمان معادی، بازیگر و مترجم کتاب «استادان بزرگ بازیگری و شیوه‌های آموزش آن‌ها» گفت: «چقدر لحظه زیبا، دلنشین و جذابی است. خیلی جذاب‌تر از لحظاتی که ما در فرش قرمزها یا در افتتاحیه فیلم‌ها داشتیم. برای من اولین تجربه است. نه خودم را مترجم می‌دانم نه صاحب سبک در این رشته، صرفاً یک تلاشی با کمک دوستان بوده و خیلی خوش‌حالم که به ثمر رسیده و به قول آرش حیدریان وسواس‌هایی که آبروی‌مان نرود.»

او در ادامه از نشر فکر نو تشکر کرد و دوستی با آرش حیدریان را باعث رقم زدن این اتفاق دانست و گفت: «آرش کتابی از یک استاد بازیگری ترجمه می‌کرد که در آن کتاب به اسم من اشاره شده بود و من شاگرد آن استاد بودم و او فکر می‌کرد که شاید تشابه اسمی باشد یا من تماس گرفت تا بداند من واقعا همانم که اسم را برده است؟ و من گفتم بله من هر موقع که فرصت کنم سر کلاس این استاد می‌روم. همین باعث شد که من بگویم، دغدغهٔ انجام ترجمه این کتاب را دارم و برای بار دوم این کتاب را می‌خوانم و کتاب دوجلدی است و شروع کردم به ترجمه اما وقت و شرایط نداشتیم؛ اما آقای حیدریان خیلی مسیر را برای من هموار کردند و نگذاشتند که من منصرف شوم. دو سه دفعه اتفاقاتی افتاد و درگیری‌ها باعث شده بود که من کمی کوتاه بیایم و ترجمه را به تأخیر بیندازم اما آرش حیدریان مانع این کار شد.» معادی از برنامه آینده‌اش گفت: «کتاب دیگری که یک سال‌ونیم پیش شروع کردیم به زودی تمام می‌شود و به همت دوستان امیدوارم سال آینده، کتابی در زمینه فیلم‌نامه‌نویسی منتشر کنیم.» او از نقش حسین پاکدل در زندگی فرهنگی‌اش گفت و افزود: «هر دفعه دوز فرهنگی من پایین می‌آید به او زنگ می‌زنم و به خانه‌اش می‌روم و با قدم زدن در خانه‌اش پاسود می‌شوم و بیرون می‌آیم.» معادی در پایان سخنانش از پارسا پیروزرfer تشکر کرد و در حاشیه اعلام کرد به تازگی ورزش را با او شروع کرده است. این هنرمند در ادامه از مجتبی جباری و همسرش (مدیران کتابفروشی)، ناشر کتابش، کیوان کثیریان، حمید علیدوستی دوست فرهنگی‌اش، سروش صحت و سایر دوستانش که در جمع حضور داشتند از جمله محمد کارت کارگردان و فروتن تقدیر و تشکر کرد.

کیوان کثیریان که اجرای برنامه را برعهده داشت پس از این صحبت‌ها با اشاره به مقدمهٔ کتاب از معادی پرسید: «آیا بازیگری یک پدیدهٔ شهودی یا تکنیکال است یا ترکیبی از این دو است؟» پیمان معادی در جواب گفت: «این کتاب به ما نمی‌گوید، کدام درست است و در واقع از اهمیت مطالعه



در عرصهٔ بازیگری می‌گوید. از جذابیت‌های این کتاب برای من، این است که کتاب خیلی تکنیکی نیست که خیلی عمیق وارد یک حوزه‌هایی بشود، اگر هم اینطور باشد، می‌شود خیلی داستان‌وار و مثل کتاب دنیای سوفی است. از ۲۵۰۰ سال پیش که بازیگری در غرب، بازیگری مدرن در یونان شکل می‌گیرد، شروع می‌کند تا امروز. و اساتید بازیگری که هر کدام به نیاز زمانه خودشان آمدند و روشی را ابداع کردند که در آن زمان جواب داده است و حالا شاگردان‌شان با اساتیدی که قرن‌ها بعد آمدند، در واقع شیوه‌ها را نقد کردند و شیوه جدید را ادامه دادند.» پیمان معادی از علی نصیریان که مقدمهٔ کتاب را نوشته و مرحوم همایون ارشادی نام برد و خاطرنشان کرد که جای این عزیزان در بین ما خالی است.

کتابی مهم و کاربردی

در بخش بعدی برنامه، حسین پاکدل در سخنانی با اشاره به اهمیت کتاب «استادان بزرگ بازیگری» گفت: «این کتاب برای همه مشاغل شاید کاربرد داشته باشد اما برای بازیگری خیلی کاربردی است. شما تمام مکاتب مختلف هنری که فقط در مورد بازیگری نیست شامل کارگردانی، نویسندگی، سلاقی جامعه و مجموعه این‌هاست را می‌خوانید. نویسنده که خودش استاد دانشگاه، بازیگر، کارگردان، نویسنده و بسیار آدم متبحری است به صورتی که انگار رفیق نزدیک شماست دستتان را گرفته و به ۲۵۰ سال پیش می‌برد و تک تک این آدم‌ها را به شما معرفی می‌کند و از سبک‌ها می‌گوید. از نظر من این کتاب به زودی جزو کتاب‌های بسیار کاربردی در هنر نمایش خواهد شد و بسیاری از بزرگان و حتی کسانی که الان مشغول به کار هستند، احساس نیاز پیدا خواهند کرد که این کتاب را بخوانند. آخرین کاری که من کارگردانی کردم، امر ملوکانه بود. اما اگر این کتاب را پیش‌تر خوانده بودم قطعاً آن اثر را طور دیگری اجرا می‌کردم.»

حسین پاکدل با بیان این‌که بدون تسلط بر زبان هنر خلاقیت ممکن نیست. اضافه کرد: «هنرمند باید زبان حرفه خود را بداند، سواد کارش را بشناسد و بر الفبا و دستور زبان هنر خود مسلط باشد. بدون این آگاهی، خلاقیت و زندگی روی صحنه ناممکن است.» به گفتهٔ این کارگردان تئاتر، درک عمیق از ساختار هنر، شرط لازم برای رشد و پایداری در مسیر خلاقیت است. پاکدل با اشاره به مقدمه این کتاب افزود: «من این کتاب را در یک مرحله، اما سه بار خواندم. اولاً نویسنده و پیمان معادی خیلی برای این کتاب زحمت کشیده‌اند چون خروجی کتاب مطمئناً مثل همان نسخه اصلی است. شما برای اینکه بفهمید این کتاب چقدر اهمیت دارد، مقدمه‌ای که پیمان نوشته را بخوانید که تمام عصاره کتاب که عصاره بازیگری و سبک‌های مختلف است را در چهار صفحه توضیح داده است.»

در ادامهٔ نشست، پارسا پیروزرfer نیز با اشاره به سوالی که از پیمان معادی دربارهٔ آموزش آکادمیک و عملی شد، گفت: «آموزش‌های آکادمیک با تجربه عملی با هم نسبت دارند و به اصطلاح به هم پاس می‌دهند.» ایسن بازیگر دربارهٔ اهمیت مطالعه گفت: «ما لازم است از هر دانشی بدانیم، مثلاً کمی روانشناسی و تاریخ. به نظر من آموزش می‌تواند، موثر باشد ولی انتقال آن نیازمند تجربه است.»

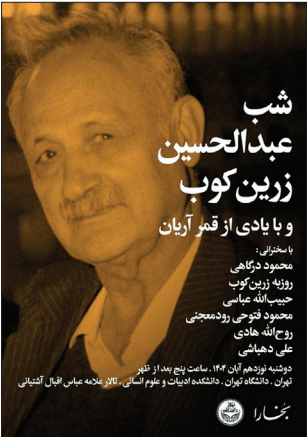
معتقد به تداوم ایران

شب بزرگ داشت دکتر عبدالحسین زرین کوب

نمی‌کنند. اگر امروز دکتر زرین‌کوب به دانشگاه بازگردد شاید بسیاری از اعضای هیأت علمی حتی ندانند، نقد ادبی چیست که بخواهند در محضر او درس دهند. این تصور که «ما نیز دکتر هستیم و زرین کوب هم یکی از ماست»، تصویری خطاست. از نخستین روزهای فعالیت علمی، دکتر زرین کوب کارهایی حیرت‌انگیز انجام داد. نوشته‌های او چنان فراتر از سن و سالش بود که حتی پدر همسرش و نیز خانلری و صادق هدایت باور نمی‌کردند که نویسندهٔ آن مقالات زرین‌کوب باشد. هدایت که خود از پرکارترین چهره‌های معاصر بود، در مقایسه با زرین کوب درمی‌یافت که گستردگی ارجاعات و عمق منابع او از بسیاری جهات از خود هدایت نیز فراتر است.» او در ادامه برای نشان دادن جایگاه علمی زرین کوب به چند مقایسه پرداخت و گفت: «در حوزه حافظ‌شناسی، کافی است «از کوچه زندان» زرین کوب را با «مکتب حافظ» استاد مرتضوی که هر دو شاگرد فروزانفر بودند، مقایسه کنیم. ما در دوران دانشجویی در تبریز، مکتب حافظ را شاهکار می‌پنداشتیم اما وقتی از کوچه زندان را خواندیم، دریافتیم که کتاب مرتضوی در برابر آن هیچ ندارد. نه طرح دارد، نه ساختار درست و نه اندیشه منسجم. حتی باب‌بندی کتاب و مقدمه‌اش نادرست است. در مقابل، از کوچه زندان سرشار از خلاقیت و نوآوری است؛ زبانی تازه دارد و روایت آن همچون زمانی دل‌انگیز است. زرین کوب در این اثر چنان با حافظ یکی شده که ترش، بوی شعر حافظ می‌دهد.»

یاد مدام ایران از گذشته تا آینده

روزیه زرین کوب در سخنانی با عنوان «یاد مدام ایران از گذشته تا آینده» به تبیین محور اندیشه و زندگی علمی و انسانی دکتر عبدالحسین زرین کوب پرداخت و گفت: «در این سال‌ها دربارهٔ وجوه علمی استاد بسیار سخن رفته است اما شخصیت انسانی و اخلاقی او نیز کمتر از جنبه علمی‌اش اهمیت ندارد که آن را در دو مفهوم خلاصه کرد: عشق به ایران و تعلق خاطر عمیق به اخلاق و انسانیت. استاد در ۱۹ سالگی نوشته بود: «احساس می‌کنم، وطنم را بیش از همیشه دوست دارم؛ چنان‌که اگر آن را از من بگیرند، جانم را نیز در راهش خواهم داد». این یادداشت، روح جوان عاشق ایران را نشان می‌دهد، همان‌گونه که در واپسین نوشته‌های او می‌توان پژواک معنویت و اخلاق را شنید. «صدای بال سیمرغ» واپسین



سال‌هاست که در دانشگاه نیست و این در حالی است که گروه‌های ادبیات باید خود پیش قدم چنین بزرگداشت‌هایی باشند. کاری که آقای دهباشی انجام دادند، در واقع انجام وظیفه‌ای است که بر عهدهٔ گروه‌های ادبیات بود. دکتر زرین کوب خود گفته بود که حتی در گروه‌های ادبیات فارسی در برخی موارد ناشناخته مانده است. انگیزه‌های گوناگونی در این مسأله دخیل است اما یکی از آن‌ها به گمان من، اعتماد به‌نفس افراطی برخی اعضای هیأت علمی است. امروز گویی برخی خود را هم‌پایهٔ زرین کوب می‌دانند و نیازی به یاد و طرح نام او در دانشگاه احساس

جای خالی زرین کوب در دانشگاه

محمود درگاهی، استاد دانشگاه و پژوهشگر ادبیات، سخنرانی خود را با نگاهی انتقادی و تحلیلی دربارهٔ جایگاه علمی و فکری دکتر زرین کوب اِبرارد کرد و گفت: «زرین کوب

سال‌هاست که در دانشگاه نیست و این در حالی است که گروه‌های ادبیات باید خود پیش قدم چنین بزرگداشت‌هایی باشند. کاری که آقای دهباشی انجام دادند، در واقع انجام وظیفه‌ای است که بر عهدهٔ گروه‌های ادبیات بود. دکتر زرین کوب خود گفته بود که حتی در گروه‌های ادبیات فارسی در برخی موارد ناشناخته مانده است. انگیزه‌های گوناگونی در این مسأله دخیل است اما یکی از آن‌ها به گمان من، اعتماد به‌نفس افراطی برخی اعضای هیأت علمی است. امروز گویی برخی خود را هم‌پایهٔ زرین کوب می‌دانند و نیازی به یاد و طرح نام او در دانشگاه احساس

سینمای جهان

با گریه تا بهشت

ادل، ستاره موسیقی با بازی در فیلم مدیر صنعت مد به سینما می‌آید

انجام داد که نامزد اسکار شد. دومین فیلم او «حیوانات شبگرد» در سال ۲۰۱۶ ساخته شد که جایزه هیات داوران جشنواره ونیز را از آن خود کرد و نامزدی اسکار بازیگر نقش مکمل مرد را برای مایکل

ادل با بازی در فیلمی از تام فورد وارد دنیای سینما می‌شود. این اتفاق را می‌توان فصلی نو در زندگی حرفه‌ای این ستاره موسیقی دانست. اولین حضور ادل در سینما با بازی در نقش اصلی فیلم «گریه تا بهشت» به کارگردانی تام فورد رقم می‌خورد.

این هنرمند برنده جایزه گرمی با بازی در «گریه تا بهشت» غول دنیای مد که کارگردانی، تهیه‌کنندگی و نویسندگی این فیلم را برعهده دارد و آن را با اقتباس از رمان سال ۱۹۸۲ آن رایس خواهد ساخت، نامش را وارد دنیای سینمایی می‌کند. داستان این فیلم در ایتالای قرن هجدهم رخ می‌دهد و زندگی دو مرد، یک نجیب‌زاده ونیزی و یک خواننده ایرا را دنبال می‌کند که زندگی‌شان به‌طور غیرمنتظره‌ای در هم تنیده می‌شود. ادل خواننده و ترانه‌نویس بریتانیایی در این فیلم در کنار نیکلاس هولت، آرون تیلور-جانسون، سیران هیندز، جورج مک‌کی، مارک استرانگ، کالین فرث، پل بتانی، اوون کوپر، دنیل کوین-توی، هانتز شافر، جوزفین تیسن، تدیو نیوتن، تتودور پلرین، داریل مک‌کورمک، کاسیان بیلتون، هاوک هانمن و لوکس پاسکال بازی خواهد کرد. فیلم «با گریه تا بهشت» در حال حاضر در لندن و رم در مرحله پیش‌تولید است و فیلمبرداری اصلی آن در ژانویه آغاز می‌شود تا طبق برنامه‌ریزی‌ها برای پاییز سال آینده، آماده اکران باشد. گفته شده فورد خودش بودجه فیلم را تأمین کرده و قصد دارد پس از اتمام تولید برای آن خریدار پیدا کند.

فورد که ابتدا مدیر خلاق برندهای «گوچی» و «ایو سن لوران» بود، برند مد خود را راه‌اندازی کرد و پس از آن هم وارد دنیای سینما شد و اولین کارگردانی خود را با فیلم «یک مرد مجرد» در سال ۲۰۰۹





سینما و مرگ کتاب

پیشگویی آینده یا نوستالژی گذشته؟



مهرزاد دانش

منتقد

۲۴ تا ۳۰ آبان هفته کتاب است. این مناسبت از زاویه دید سینما، تداعی بخش مفاهیم متعددی می‌تواند باشد که از آن میان، زوال کتاب و کتابخانه و مفهوم خواندن در فیلم‌هایی که آینده بشریت را ترسیم می‌کنند، نمود پررنگی دارد.

در فیلم‌های علمی‌تخیلی و آخرالزمانی، نابودی کتاب و کتابخانه به استعاره‌ای از گسست فرهنگی و زوال حافظه جمعی بدل شده است. این بازنمایی‌ها نه صرفاً به مثابه مضمونی روایی بلکه نوعی انعکاس اضطراب وجودی عصر تصویر به شمار می‌آید. اما پدیده مرگ کتاب در تخیل فیلم‌های سینمایی، نوعی پیشگویی فروپاشی فرهنگ مکتوب است یا صرفاً مرثیه‌خوانی و نوستالژی‌ای است برای زیست معناگرایانه وازه‌محور؟

در دهه‌های اخیر، صحنه‌های تکرارشونده‌ای در سینمای علمی‌تخیلی و آخرالزمانی مشاهده می‌شود: کتابخانه‌های ویران، کتاب‌های سوخته یا فراموش شده و انسان‌هایی بی‌ارتباط با واژه‌ها. این پدیده فراتر از تروپ داستانی، پژواکی از اضطراب جمعی در مقابل سلطه رسانه‌های تصویری و دیجیتال است که دغدغه‌اش را در قالب این پرسش بروز می‌دهد: آیا واقعا کتاب به‌عنوان نماد تفکر عمیق و تداوم تاریخی در حال مرگ است؟

از زمان تاریخ ظهور نوشتار، کتاب حافظه فرازمانی بشر بوده است. نابودی کتابخانه اسکندریه یا آتش‌سوزی‌های تاریخی همواره استعاره‌ای از فراموشی و گسست تمدنی بوده‌اند. در پرده سینمای معاصر، این شمایل ابعاد مضاعف به خود گرفته است: آن‌سان که گویی مرگ کتاب، گسست انسان از ریشه‌هاست. جامعه‌ای بی‌کتاب، جامعه‌ای بی‌حافظه و بی‌معناست؛ موجودیتی که از حیوانیت فراتر نمی‌رود. این بازنمایی، ریشه در ترس وجودی از زوال لوگوس دارد: افول کلمه به مثابه حقیقت متعالی و گذار به جهانی که در آن تصویر، داده و قدرت، جایگزین عقل، گفتار و معنا شده‌اند.

این همان تصویری است که در فیلم کتاب ایلائی ترسیم شده است. در این فیلم، جهان پس از جنگی هسته‌ای به ویرانه‌ای بدل شده و تنها نسخه باقی‌مانده از کتاب مقدس در دستان شخصیتی سرگردان است. این کتاب آخرین نشانه ایمان، اخلاق و معناست؛ چیزی که بشر بدون آن به حیوانی صرف تبدیل می‌شود. فیلم درواقع اعلام می‌کند که بقای انسان به کلمه وابسته است.

در فیلم فرانهایت ۴۵۱ نیز کتاب‌سوزی که یک آیین از جانب حکومتی توتالیتز است، حکایت از اراده‌ای مسلط دارد که می‌خواهد مردم بی‌فکر باشند چون اندیشه مستقل از متن برمی‌خیزد. برادبری در مان خود و فرانسوا تروفو در اقتباس سینمایی آن، جامعه‌ای را می‌نمایانند که رسانه تصویری، جایگزین کامل کتاب شده و خوشی سطحی بر تفکر غلبه کرده است. این اثر بیش از نیم قرن پیش هشدار



هیاهوی خیابان. در دو جهان سیر می‌کرد؛ دنیای تاریخ و دنیای عرفان. او هم در درون خود می‌زیست و هم در فراسوی خویش.»

گذار از ایران خاموش به ایران پیوسته و زاینده

در ادامه این شب سیدمحمود فتوحی، استاد دانشگاه فردوسی مشهد سخنانی با محور «نظریه ایران در آثار زرین‌کوب» ایراد کرد و گفت: «در میان استادان و پژوهش‌گران ادبیات فارسی، هیچ‌کس به اندازه زرین‌کوب درباره ایران تأمل نکرده است. در آرشوهای ملی بیش از ۴۴۰ اثر از او ثبت شده و بخش عمده آن‌ها به ایران اختصاص دارد؛ چه در مقام یک کل تاریخی و فرهنگی و چه در قالب عناصر هویت‌بخش همچون شعر فارسی، تصوف ایرانی و مشاهیر ملی. پرسش از چیستی ایران از روزگار باستان تا امروز همچنان مطرح است. زرین‌کوب از معدود متفکرانی است که کوشید برای این پرسش نظریه‌ای فرهنگی و تاریخی ارائه کند؛ او ایران را نه مفهومی اسطوره‌ای یا سیاسی صرف بلکه واقعیتی زنده و پویا در بستر تاریخ می‌دانست. در آثار اولیه‌اش همچون «دو قرن سکوت» با رویکردی رمانتیک و سوگوارانه به گسست تمدن ایرانی می‌نگرد. اما در آثار متأخر از جمله «روزگاران ایران» و مقالات دهه ۵۰ حرکت آشکاری از نگاه گسسته به سوی درک تداومی از تاریخ و هویت ایران دیده می‌شود. زرین‌کوب از «ایران خاموش» به «ایران پیوسته و زاینده» گذر می‌کند.» او نظریه «تداوم ایران» را اصلی‌ترین بنیان فکری زرین‌کوب دانست و گفت: «زرین‌کوب از آغاز تمدن مکتوب تا روزگار معاصر، خطی پیوسته از فرهنگ ایرانی را دنبال می‌کند. در تاریخ سیاسی، در تصوف و عرفان و در ادبیات همواره، نشانه‌هایی از تداوم معنا و حافظه ایرانی را جست‌وجو کرده است.»

روح‌الله هادی، استاد دانشگاه تهران هم با اشاره به نقش خانواده در موفقیت زرین‌کوب گفت: «یکی از عوامل توفیق استاد، خانواده‌ای بود که در آن پرورش یافت و نیز خانواده‌ای که خود بنا نهاد. پدرش کتاب را به عنوان سوغات برای فرزندان می‌آورد. اما مهم‌تر از آن همراهی دکتر قمر آریان بود. زیستن با کسی که هر روز و هر شب در کتاب و اندیشه غرق است، کاری ساده نیست. به باور من، اگر دکتر آریان همسر زرین‌کوب نمی‌بود شاید زرین‌کوب امروز را نیز نمی‌داشتیم.»

نوشته استاد است که سال ۱۳۷۸ منتشر شد. در آخرین فصل، خطاب به عطار می‌نویسد: «دنیای بی‌روح ما برای بقا به جست‌وجوی روح برخواهد خاست. آرمان تو، آینده را در عطر روح غوطه‌ور خواهد ساخت و آینده از آن مرغان سبیم‌رخ‌جو خواهد بود.» برای استاد، ایران یاد مدام بود. او چه در تاریخ، چه در ادب فارسی و چه در تصوف و عرفان، همیشه با یاد ایران زیست و هیچ‌گاه از تأمل در گذشته، اکنون و آینده این سرزمین غافل نماند. «روزبه زرین‌کوب در پایان با اشاره به دغدغه همیشگی استاد نسبت به آینده ایران گفت: «او هشدار می‌داد که تکرار تجربه‌های تاریخی نمی‌تواند ضامن بقای همیشگی ایران باشد. ساده‌انگاری نسبت به آینده، نوعی احساس امنیت دروغین است و بقای فرهنگی ایران تنها با آگاهی و مسئولیت‌پذیری ممکن خواهد بود.»

روشن‌فکری در خانه

در ادامه شب دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، حبیب‌الله عباسی با اشاره به جایگاه استاد زرین‌کوب در فرهنگ و اندیشه ایران گفت: «ما دانشگاهیان، از فردوسی تا تبریز و از بابلسر تا بندرعباس، مدیون استاد زرین‌کوب هستیم و خواهیم بود. گستره آثار او چنان است که اگر کسی همه آن‌ها را با دقت بخواند، بی‌نیاز از دکترای ادبیات می‌شود. زرین‌کوب توانست میان سر و پای اندیشه خود هارمونی ایجاد کند؛ او بر خلاف بسیاری از ما که فقط بر فراز ذهن سیر می‌کنیم، بر زمین تاریخ گام می‌نهاد. تحقیقاتش بر بستر تاریخ بود و نه نظریه‌هایی که کهنه می‌شوند. از همین‌رو آثارش همیشه تازه می‌مانند. در مقاله‌ای با عنوان «نشانه‌شناسی گفتمان‌ها در آثار عبدالحسین زرین‌کوب» نشان دادیم که او در سه گفتمان عمده می‌اندیشید: تاریخ، هویت و معرفت. اما ستون فقرات همه این آثار تنها یک جمله است: ایرانی بودن ما در پیوند با معنویت اسلامی ماست. زرین‌کوب در کتاب «کارنامه اسلام» نشان داد که چگونه ایرانیان در شکل‌گیری تمدن اسلامی، به‌ویژه در بغداد، نقشی بنیادین داشته‌اند. او شعر بدوی عرب را شهری کرد و نشان داد، ادب اسلامی دو بال دارد که یکی از آنها زبان فارسی است.» عباسی در ادامه به خاطراتی از کلاس‌های زرین‌کوب اشاره کرد و او را «روشن‌فکری در خانه» دانست و گفت: «او روشن‌فکری بود که در خلوت پژوهش می‌زیست، نه در

شانون به ارمغان آورد. «با گریه تا بهشت» فرد را دوباره با تیلور جانسون که از بازیگران فیلم دوشم بود و کالین فرث که بازیگر فیلم اولش بود، همراه کرده است.

فرد دربارۀ اینکه چطور راضی به خروج از صنعت مد شده، گفت: چندین دلیل وجود دارد که شرکت‌م را فروختم. اول از همه احساس می‌کردم بعد از ۳۵ سال هر چه می‌توانستم درباره مد بگویم، گفته‌ام. مهم است بدانید چه زمانی باید از صحنه خارج شوید. دو فیلمی که ساختم را دوست داشتم و این کار سرگرم‌کننده‌ترین لذتی بود که در تمام عمرم داشتم. ۶۲ سال دارم. امیدوارم تا ۸۲ سالگی تا حدودی روی پا باشم؛ بنابراین می‌خواهم ۲۰ سال آینده زندگی‌ام را صرف ساختن فیلم کنم. ساعت تیک‌تاک می‌کند و زمان خداحافظی با مد فرا رسیده،



دیدگاه: یادداشت اقتصادی

روشن شدن چراغ جدید

آیا بازار وارد فاز احتیاطی می‌شود؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

در سومین هفته آبان ماه، بازارهای دارایی با چرخشی ناگهانی بسیاری از معامله‌گران را غافلگیر کردند. در شرایطی که انتظار می‌رفت روند آرام و تعادلی هفته‌های قبل ادامه یابد تغییرات سریع و غیرمنتظره در مسیر حرکت دلار، سکه و طلا موجب شد، فضای معاملاتی به کلی دگرگون شود. همزمان بورس تهران برخلاف رقبای خود نه تنها همراهی نکرد بلکه با افتی محسوس، عقب نشست و دو کانال مهم را از دست داد؛ اتفاقی که موجب نگرانی بسیاری از فعالان بازار سهام شد. دلار آزاد که طی هفته‌های گذشته در بازه نسبتاً پایدار ۱۰۷ تا ۱۰۸ هزار تومان نوسان داشت، معاملات این هفته را نیز با حرکتی محدود و کم‌شتاب آغاز کرد؛ اما این آرامش بیش از یک روز دوام نیاورد. از روز دوشنبه نشانه‌های خروج قیمت از روند خنثی پدیدار شد و روز سه‌شنبه جهش ۴۲/۲ درصدی دلار نشان داد، بازار وارد فاز جدیدی شده است. چهارشنبه نیز روند صعودی ادامه پیدا کرد و دلار دو کانال مهم ۱۱۱ سپس ۱۱۲ هزار تومان را لمس کرد؛ سطحی که پیش‌تر سقف روانی برای بازار تلقی می‌شد. در تحلیل این حرکات، برخی کارشناسان افزایش تقاضای احتیاطی، تشدید نااطمینانی‌های سیاسی و تغییر انتظارات کوتامدت را سه عامل اصلی در تقویت موج صعودی می‌دانند. بازار سکه نیز با فاصله کوتاهی از دلار دچار تغییر رفتار شد. تا روز دوشنبه قیمت‌ها در محدوده‌ای نسبتاً ثابت حرکت می‌کرد اما از سه‌شنبه و همگام با رشد دلار، سکه به سرعت وارد مدار صعودی شد و رشد نزدیک به ۳ درصدی را ثبت کرد؛ رشدی که از هفتم مهرماه بی‌سابقه بود. چهارشنبه نیز این روند هرچند با شدت کمتر ادامه یافت و موجب شد، بازار سکه سقف تاریخی تازه‌ای را تجربه کند. نتیجه این نوسان‌ها بازدهی قابل‌توجه ۷۳/۵ درصدی در مقیاس هفتگی بود؛ رقمی که نشان می‌دهد، بازار سکه در حال حاضر بیش از هر چیز از انتظارات تورمی و تحولات بازار ارز اثر می‌پذیرد. بازار طلا نیز از فضای هیجانی این هفته بی‌نصبی نماند. هر گرم طلای ۱۸ عیار که معاملات شنبه را با افت ۷/۰ درصدی آغاز کرده بود تا روز دوشنبه خود را به نیمه کمال ۱۰ میلیونی رساند. اما نقطه چرخش اصلی نیز سه‌شنبه رقم خورد؛ جایی که طلا همسو با دلار و سکه شاهد رشدی بیش از ۴ درصد بود و در نهایت به محدوده ۱۱ میلیون تومان در هر گرم رسید. این جهش، طلا را بار دیگر به گزینه‌ای جذاب برای سرمایه‌های کوتامدت تبدیل کرد؛ به‌ویژه برای گروهی از سرمایه‌گذاران که به دنبال پناهگاه‌های امن در شرایط پرریسک هستند. در مقابل همه این تحولات بورس تهران مسیر متفاوتی را پیمود. درحالی که بازارهای موازی وارد مدار صعود شدند، شاخص کل بورس با افت حدود ۳ درصدی دو کانال مهم را از دست داد. این واگرایی از نگاه تحلیلگران چند دلیل دارد: چشم‌انداز نامطمئن سودآوری شرکت‌ها، فشار فروش در میان سهامداران حقیقی و تداوم ابهام‌های سیاستی. به باور بسیاری از فعالان بازار سرمایه ورود نقدینگی به سمت بازارهای طلا و ارزی یکی دیگر از دلایل افت بازار سهام در این هفته بوده است. بدین ترتیب برخلاف گذشته که در برخی دوره‌ها، بورس همزمان با رشد دیگر بازارها تقویت می‌شد این بار خروج سرمایه و نبود تقاضای مؤثر در بورس موجب شد شاخص‌ها تنها بازاری باشند که روندی منفی را تجربه کردند. در شرایط فعلی، کارشناسان اقتصادی بر این باورند که با افزایش ریسک‌های اثرگذار بر معاملات اعم از نااطمینانی‌های سیاسی، تحولات منطقه‌ای، نوسانات ارزی و کمبود نقدینگی احتمالاً استراتژی غالب میان سرمایه‌گذاران «احتیاط حداکثری» خواهد بود. از نگاه این تحلیلگران، سرمایه‌گذاران در هفته‌های پیش‌رو به دنبال کاهش ریسک پرتفوی و حرکت به سمت دارایی‌های نقدشونده یا پناهگاه‌های امن خواهند بود. برخی نیز معتقدند ادامه رشد شدید در بازارهای طلا و ارز، نیازمند محرک‌های جدید است و در صورت کاهش تنش‌ها یا مدیریت انتظارات تورمی، احتمال برگشت مقطعی قیمت‌ها وجود دارد. به‌طور کلی، سومین هفته آبان ماه را می‌توان یکی از هفته‌های حساس و پرنوسان ماه‌های اخیر دانست؛ هفته‌ای که نشان داد، بازارها بیش از هر زمان دیگر در معرض شوک‌های بیرونی و تغییرات رفتاری ناگهانی قرار دارند. فعالان اقتصادی نیز با دقت بیشتری وضعیت را دنبال می‌کنند زیرا ترکیب فعلی ریسک‌ها و واکنش سریع بازارها به اخبار، الگوهای پیش‌بینی را پیچیده‌تر و تصمیم‌گیری را دشوارتر کرده است.

مهتاب شهریاری

گروه اقتصاد

در نیمه نخست ۱۴۰۴ بازار ارز بیش از هر زمان دیگری زیر سایه متغیرهای سیاسی و شوک‌های ژئوپلیتیک قرار گرفت؛ دوره‌ای که با خوش‌بینی ناشی از مذاکرات آغاز شد اما با وقوع جنگ ۱۲ روزه و جهش ناگهانی نرخ دلار به مرز ۱۰۲ هزار تومان پایان یافت و شکاف کم‌سابقه میان نرخ‌های رسمی و آزاد را رقم زد؛ شکافی که اکنون پرسش اصلی را پیش‌رو می‌گذارد: آینده این بازار ناپایدار چه خواهد بود؟ نرخ ارز در نیمه نخست امسال روندی نوسانی و نامطمئن را پشت سر گذاشت. به‌رغم کاهش اولیه‌ای که تحت تأثیر خوش‌بینی نسبت به از سرگیری مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا رقم خورد، وقوع جنگ تحمیلی اخیر و فضای نااطمینانی ناشی از آن در تابستان، شرایط بازار را کاملاً دگرگون کرد و مسیر نرخ ارز را به سوی سطوح بالاتر سوق داد. در فصل بهار همزمان با آغاز گفت‌وگوهای دیپلماتیک و کاهش تنش‌های سیاسی، نرخ ارز نسبت به زمستان ۱۴۰۳ کاهش یافت و برای مدتی کوتاه در محدوده نسبتاً باثبات ۸۳ هزار و ۳۰۰ تومان نوسان می‌کرد. این دوره آرامش نسبی نشان داد که بخش مهمی از نوسان‌های ارزی در اقتصاد ایران به انتظارات مربوط است و هر گاه فضای سیاسی به سمت گفت‌وگو و تنش‌زدایی حرکت می‌کند، بازار واکنش مثبت نشان می‌دهد و تقاضای سفته‌بازی کاهش می‌یابد. اما این وضعیت پایدار نبود. از ابتدای تابستان ۱۴۰۴ و با تجاوز نظامی مستقیم موسوم به «جنگ تحمیلی ۱۲ روزه» ورق برگشت و بازار ارز وارد فاز جدیدی شد. افزایش ریسک‌های ژئوپلیتیک، تشدید نااطمینانی و طرح گمانه‌زنی‌های مختلف درباره آینده مذاکرات، مجموعه‌ای از سیگنال‌های منفی را به بازار تزریق کرد که به سرعت در قیمت‌ها منعکس شد. روند صعودی نرخ ارز که از روزهای ابتدایی تیرماه آغاز شده بود تا پایان شهریور بدون وقفه ادامه یافت و نرخ دلار از ۸۲ هزار و ۵۰۰ هزار تومان در اواخر خرداد به ۱۰۱ هزار و ۷۰۰ هزار تومان در پایان شهریور رسید. این جهش، افزایشی برابر با ۲۳ درصد در مقیاس فصلی و ۷۱ درصد در مقیاس سسالانه را نشان می‌دهد، رقمی که به وضوح از تجربه یک شوک ارزی جدی حکایت دارد. این

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

راهنمای چپ

ابراهیم رزاقی

اقتصاددان و استاد دانشگاه تهران درگذشت

اکرم یاری

تحلیلگر اقتصاد

ابراهیم رزاقی، اقتصاددان چپ‌گرا که مدرک دکترای توسعه اقتصادی خود را از فرانسه دریافت کرده بود و سال‌ها در دانشگاه تهران تدریس کرد، روز پنج‌شنبه درگذشت. رزاقی

دانشیار بازنشسته دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران و از چهره‌های شاخص منتقد سیاست‌های اقتصادی در ایران بود. از او آثاری چون «اقتصاد ایران‌زمین»، «آشنایی با اقتصاد ایران» و «توسعه و وابستگی» بر جای مانده است. حوزه مطالعاتی او شامل توسعه اقتصادی، اقتصاد صنعتی و انرژی، اقتصاد سیاسی و پژوهش‌های اجتماعی تغییر بود. وی منتقد سیاست‌هایی چون خصوصی‌سازی و واردات‌محوری بود و از اقتصاد تعاونی دفاع می‌کرد. در سخنانش، عدالت همواره در مرکز توجه قرار داشت و بر لزوم حرکت به سمت خودکفایی و حمایت از تولید داخلی تأکید می‌کرد. رزاقی و موسی غنی‌نژاد هر دو فارغ‌التحصیل دانشگاه سوربن فرانسه‌اند اما در دو سوی طیف فکری قرار می‌گیرند؛ غنی‌نژاد مدافع اقتصاد آزاد و آزادسازی اقتصادی است در حالی که رزاقی به اقتصاد متمرکز و دولت‌محور گرایش داشت.

این دوگانگی، بخشی از مناقشه دیرینه میان دو جریان اصلی اقتصاد سیاسی ایران را بازتاب می‌دهد. از نگاه بسیاری از تحلیلگران، خط فکری رزاقی همواره برای گروهی از سیاستمداران جذاب بوده زیرا دخالت فعال دولت در بازار و تنظیم‌گری پررنگ را توجیه‌پذیرتر می‌کند. مرحوم رزاقی، اقتصاد را نه هدف نهایی بلکه ابزاری برای تعالی اخلاقی و اجتماعی جامعه می‌دانست و در تحلیل‌های خود، مسائل اقتصادی را با مفاهیمی چون عدالت اجتماعی، مردم‌محوری و استقلال اقتصادی پیوند می‌زد. او معتقد بود که هم سوسیالیسم دولتی و هم سرمایه‌داری افسارگسیخته ناکارآمدی خود را ثابت کرده‌اند و تنها یک اقتصاد «تعاونی‌محور» و مشارکتی می‌تواند هم عدالت را برقرار کند و هم زمینه رشد انسانی را فراهم آورد. اقتصاددانانی نظیر ابراهیم

افزایش در شرایطی رخ داد که نرخ ارز ترجیحی نیمه‌همچنان در سطح ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان تثبیت شده بود؛ موضوعی که فاصله میان نرخ رسمی و غیررسمی را به شدت افزایش داد و انگیزه‌های سفته‌بازی و آربیتراژ را به اوج رساند. از سوی دیگر، نرخ ارز تجاری در تالار اول مرکز مبادله ارز و طلا نیز از ثبات نسبی برخوردار بود و در شهریورماه ۱۴۰۴ در سطح ۶۹ هزار هزار تومان ثابت ماند؛ سطحی که نمایانگر کاهش جزئی در مقیاس فصلی و افزایش ۵۱ درصدی در مقیاس سالانه است. این اختلاف شدید میان دو بازار رسمی و آزاد باعث شد، شکاف ارزی در نیمه نخست سال به بالاترین سطح چند سال اخیر برسد.

هرچند نرخ در تالار اول مرکز مبادله نسبتاً باثبات ماند اما افزایش بسیار شدید نرخ آزاد و ناتوانی نرخ‌های رسمی در محافظت از تعادل بازار، سیاست‌گذار را به ایجاد تالار دوم سوق داد. تالاری نیمه‌آزاد و توافقی که با هدف کاهش فاصله قیمتی و تسهیل عرضه، ارز صادراتی راه‌اندازی شد و نرخ آن در هفته‌های اخیر عمدتاً در کانال ۸۰ هزار تومان نوسان داشته است. این اقدام نشان‌دهنده تلاش دولت برای ایجاد یک نرخ میانی است که بتواند هم از فاصله شدید قیمتی بکاهد و هم تعادلی نسبی میان عرضه و تقاضا ایجاد کند. با این حال آنچه از بررسی روندها برمی‌آید، این است که بازار ارز در نیمه نخست سال ۱۴۰۴ بیش از هر زمان دیگری تابع متغیرهای سیاسی و انتظارات بوده است. کاهش اولیه نرخ در بهار عمدتاً نتیجه خوش‌بینی به مذاکرات بود و افزایش شدید آن در تابستان، نتیجه مستقیم نااطمینانی ناشی از تشدید تنش‌های امنیتی. این رفتار نشان می‌دهد که بازار ارز در شرایط کنونی فاقد تکیه‌گاه‌های بنیادی است و تغییر جهت آن بیشتر از طریق انتظارات صورت می‌گیرد تا عوامل اقتصادی نظیر تراز تجاری، جریان سرمایه یا تولید ناخالص داخلی.

افزایش شدید نرخ بازار آزاد تا محدوده ۱۰۱ هزار تومان و شکاف عمیق آن با نرخ‌های رسمی، پیامدهای دیگری نیز برای اقتصاد دارد. نخست آنکه چنین فاصله‌ای، انگیزه قاچاق ارز و خروج سرمایه را افزایش می‌دهد و فشار بر ذخایر ارزی رسمی را بیشتر می‌کند. دوم، فعالان اقتصادی در حوزه‌های تولید و تجارت با نااطمینانی شدیدی مواجه می‌شوند و برنامه‌ریزی تولید یا سرمایه‌گذاری را دشوار می‌یابند. سوم، افزایش نرخ ارز به دلیل سرریز شدن آن به

قیمت کالاهای وارداتی و مواد اولیه می‌تواند موج جدیدی از تورم را در ماه‌های پیش‌رو ایجاد و سیاست کنترل تورم را پیچیده‌تر کند. در چنین شرایطی، ایجاد تالار دوم اگرچه اقدامی لازم و فوری بوده اما قادر نیست به تنهایی تعادل پایدار در بازار ارز ایجاد کند.

با توجه به مجموعه این عوامل، چشم‌انداز بازار ارز در ماه‌های آینده همچنان با ابهام و نوسان همراه خواهد بود. برای ترسیم آینده، می‌توان سه سناریوی کلی را در نظر گرفت: سناریوی اول؛ کاهش سطح تنش‌ها و روشن‌تر شدن مسیر مذاکرات است. در این حالت، بخشی از انتظارات منفی تعدیل شده و تقاضای سفته‌بازانه فروکش می‌کند. احتمال آن وجود دارد که نرخ بازار آزاد از اوج‌های فعلی فاصله بگیرد و به سمت کانال‌های پایین‌تر حرکت کند. تالار دوم نیز در این شرایط می‌تواند، نقش مؤثرتری در یکسان‌سازی تدریجی نرخ‌ها ایفا کند. سناریوی دوم، تداوم وضعیت فعلی و باقی ماندن فضای نااطمینانی است. در این حالت، بازار ارز ممکن است به نوسان در دامنه‌های فعلی ادامه دهد و نسبت به اخبار سیاسی واکنش‌های لحظه‌ای و گاه شدید نشان دهد.

فشار بر بازار آزاد ممکن است کاهش نیابد و شکاف میان نرخ‌های رسمی و آزاد همچنان پابرجا بماند. سناریوی سوم، تشدید تنش‌ها یا بروز شوک‌های جدید سیاسی یا اقتصادی است. در چنین شرایطی احتمالاً بازار آزاد دوباره وارد موج افزایشی می‌شود و شکاف ارزی گسترش بیشتری می‌یابد؛ در این سناریو حتی تالار دوم نیز نمی‌تواند، مانع افزایش فاصله نرخ‌های رسمی و غیررسمی شود و مدیریت بازار نیازمند ابزارهای سیاستی قوی‌تر و هماهنگی میان نهادهای تصمیم‌گیر خواهد بود. در مجموع تا زمانی که متغیرهای سیاسی نقش غالب را در بازار ارز ایفا کنند و برنامه مشخص و قابل اتکایی برای تثبیت ارزی ارائه نشود، ثبات پایدار در این بازار قابل انتظار نخواهد بود و رفتار بازار در قالب تعادل‌های شکننده تداوم خواهد یافت. برای بهبود وضعیت، مجموعه‌ای از اقدامات سیاستی شامل افزایش شفافیت ارزی، اصلاح سازوکارهای تخصیص ارز، کاهش مداخلات دستوری، بهبود انتظارات و ایجاد ثبات در فضای سیاسی ضروری است. تنها در چنین شرایطی است که می‌توان به کاهش تدریجی شکاف نرخ‌ها، مهار نوسان‌ها و بازگشت آرامش به بازار ارز امیدوار بود.



رزاقی در زمره اقتصاددانان چپ‌گرا با گرایش نهادگرایی انتقادی و عدالت‌محور قرار می‌گیرند. این طیف اگرچه الزاماً با مکاتب سوسیالیستی کلاسیک هم‌راستا نیست اما در نقد سرمایه‌داری بازارمحور، حمایت از تولید داخلی، دفاع از توزیع عادلانه ثروت و تأکید بر نقش نهادهای مردمی و حاکمیتی در شکل‌دهی به ساختار اقتصادی، اشتراکات مهمی دارد. رویکرد آنان اقتصاد را پدیده‌ای اجتماعی، اخلاقی و مرتبط با ساختار قدرت می‌داند و بدیلی میان اقتصاد دولتی متمرکز و بازار آزاد مطلق پیشنهاد می‌کند.

با توجه به برخی نوشته‌ها و گفتارهای رزاقی، او را می‌توان نماینده نسلی از اقتصاددانان دانست که دغدغه اصلی‌شان جلوگیری از بازتولید نابرابری و دفاع از استقلال اقتصادی کشور است. این جریان همچنان در فضای سیاستگذاری ایران حضور فعال دارد و بر مباحثی چون حمایت از تولید، ساماندهی تجارت خارجی و تقویت بخش تعاونی اثرگذار بوده است. او هیچ‌گاه وارد سیاستگذاری نشد و منتقد و استاد دانشگاه باقی ماند اما در نهادینه کردن اندیشه اقتصاددانان مدافع دولت، نقش داشت و دانشجویانی تربیت کرد که به سیاستگذاری راه پیدا کردند و همین خط فکری را پیش گرفتند.

اعتراض پرستاران

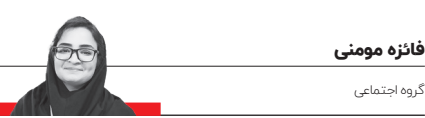
پرستاران مشهدی در اعتراض به مطالبات صنفی خود ۳ روز اعتراض کردند

گروه اجتماعی: پس از سال‌ها گلایه از حقوق ناچیز، فشار کاری، کمبود نیرو و بی‌اعتنایی به مطالبات صنفی، پرستاران مشهد یکی از گسترده‌ترین اعتراضات یک دهه اخیر را رقم زدند. این اعتراضات درست در زمانی اوج گرفت که در مجلس، طرح استیضاح چند وزیر از جمله وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با بیش از ۵۰ امضا دنبال می‌شود و انتقادهای از سیاست‌های مزدی دولت به اوج رسیده است. تجمع پرستاران در بیمارستان‌های «قائم»، «امام رضا(ع)» و «اکبر» تصویری روشن از بحران معیشتی و فرسودگی کادر درمان ارائه کرد؛ تصویری که مدت‌هاست، نادیده گرفته شده است. اعتراضات از ۱۹ آبان آغاز شد و سه روز پیاپی ادامه یافت. پرستاران ابتدا در بیمارستان‌های «قائم» و «امام رضا(ع)» تجمع کردند و در سومین روز به بیمارستان کودکان «اکبر» سپس مقابل ستاد مرکزی دانشگاه علوم پزشکی مشهد راهپیمایی کردند. شعارهای معترضان مستقیماً به تبعیض، تأخیر در پرداخت‌ها و بی‌عدالتی مزدی اشاره داشت. «پرستار له می‌شود، جیب ستاد پر می‌شود»، «تعرفه حق ماسمت، پولش نوبی جیب شماسمت»، «پرستار نباشه سیستم از هم می‌پاشه» و «مسئول بی‌کفایت استعفا» از شعارهایی بود که بارها تکرار شد. بیانیه‌هایی که پرستاران در این روزها منتشر کردند، خواسته‌های آنان را «امی» توصیف می‌کرد: شفاف‌سازی درباره پرداخت کارانه‌ها، اجرای کامل قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری، عدالت پرداخت میان پزشکان و دیگر اعضای تیم درمان، پرداخت به موقع مطالبات، جذب فوری نیرو و درج فوق‌العاده خاص با ضرب ۳ در فیش حقوقی. در این بیانیه‌ها بارها تأکید شد که کمبود نیروی انسانی باعث افزایش حجم کار،

میراث فرهنگی

دفاع از کاخ

وزیر میراث فرهنگی ساخت‌وسازهای اطراف کاخ گلستان را متوقف کرد



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

رضا صالحی‌امیری، وزیر میراث فرهنگی با حضور در محل پروژه ساخت‌وساز اطراف کاخ گلستان، دستور توقف ساخت‌وساز را صادر و وعده پیگیری قضایی و تشکیل کمیته‌ای ویژه داد. حریم مجموعه تاریخی گلستان، تنها اثر ثبت شده تهران در فهرست میراث جهانی یونسکو به میدان جدالی میان توسعه‌طلبی و حفاظت میراث تبدیل شد. رسانه‌ها و فعالان فرهنگی گزارش دادند که اداره کل میراث فرهنگی استان تهران برای ساخت دو پاساژ تجاری موسوم به «مروی سنتر» و «بازار طلای خاورمیانه» در حریم درجه یک کاخ گلستان مجوز صادر کرده است. این پروژه‌ها قرار است، چهار طبقه زیرزمین با عمق ۱۷ متر بسازند؛ عمقی که همراه با فونداسیون تا حدود ۲۰ متر می‌رسد. کارشناسان هشدار دادند که منطقه مذکور به‌دلیل وجود قنوات تاریخی و لایه‌های آبرفتی نرم جزو پهنه‌های بسیار پرخطر فرونشست است. نگرانی‌ها درباره احتمال خروج کاخ گلستان از فهرست میراث جهانی، فشار اجتماعی و رسانه‌ای ایجاد کرد که در نهایت سبب واکنش وزیر شد.

خطر فرونشست و قنات ۷۰۰ ساله مهرگرد

وحید شهاب، کنشگر و متخصص برنامه‌ریزی شهری، معتقد است که مجموعه کاخ گلستان روی لایه‌های آبرفتی نرم و ریزدانه و در بستری پر از قنوت قدیمی قرار دارد؛ هر تغییر در فشار جانبی خاک یا جهت حرکت آب‌های زیرزمینی ممکن است به نشست موضعی، ترک دیوارهای خشتی و فرسایش پی بناهای تاریخی منجر شود. او با استناد به مطالعات مرکز تحقیقات راه، مسکن و شهرسازی و سازمان مدیریت بحران تهران در سال ۱۴۰۳ یادآور شد که این محدوده به‌عنوان پهنه «بسیار پرخطر» در برابر فرونشست طبقه‌بندی شده است. همچنین پلاک پروژه در حریم قنات مهرگرد و در فاصله کمتر از ۲۵ متر از آن قرار دارد و به‌گفته شهاب، میدانگاه شمس‌العماره در گذشته مظهر این قنات بوده است؛ بنابراین هر گونه گودبرداری می‌تواند، مسیر قنات را مسدود و به خشکیدن درختان کاخ گلستان منجر شود. کارشناسان معتقدند قبل از صدور مجوز باید مطالعات ژئوتکنیکی و هیدروژئولوژیکی انجام می‌شد، درحالی که چنین مطالعاتی در مجوز اولیه دیده نشده است.

خستگی شدید، اضافه‌کاری‌های اجباری و کاهش کیفیت ارائه خدمات درمانی شده است.

ریشه‌های ناراضیانی

طبق برآوردهای کارشناسی، میانگین دریافتی بسیاری از پرستاران حدود ۲۰ میلیون تومان است؛ در حالی که خط فقر نسبی در سال ۱۴۰۴ بیش از ۳۵ میلیون تومان اعلام شده است. این اختلاف فاحش باعث شده بسیاری از پرستاران با وجود شیفت‌های ۱۲ تا ۱۸ ساعته مجبور شوند که شغل دوم داشته باشند. افزون بر این همین حقوق نیز غالباً با تأخیر چند ماهه پرداخت می‌شود. شدت فشارها به حدی بوده که طی یک سال اخیر بیش از ۳ هزار پرستار از کشور مهاجرت کرده‌اند.

طبق اعلام شورای عالی نظام پرستاری، کشور به ۱۶۵ هزار پرستار جدید نیاز دارد. نسبت پرستار به تخت بیمارستانی در ایران حدود ۹/۰ است در حالی که استاندارد جهانی دست‌کم سه پرستار برای هر تخت است. نتیجه این شکاف آن است که پرستاران در ایران به‌طور متوسط به ۱۲ بیمار رسیدگی می‌کنند، عددی که چند برابر تحمل استاندارد است. همین وضعیت به گفته فعالان صنفی به کاهش کیفیت مراقبت و حتی افزایش مرگ‌ومیر بیماران منجر شده است.

تعرفه‌گذاری روی کاغذ و شکاف‌های مزدی

قانون «تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری» که پس از سال‌ها انتظار تصویب شده هنوز ناقص اجرا می‌شود. بخش زیادی از اقدامات پرستاران

در سیستم ثبت به نام پزشکان ثبت می‌شود و سهم آنان از کارانه‌ها ناچیز است. برخی گزارش‌ها، اختلاف کارانه پزشک و پرستار را تا ۸۰ برابر ذکر کرده‌اند. قانون «ارتقای بهره‌وری» نیز که هدف آن کاهش ساعات کار پرستاران بود به دلیل کمبود شدید نیرو عملاً بی‌اثر شده و بسیاری از پرستاران ماهانه بیش از ۱۵۰ ساعت اضافه‌کاری ناخواسته انجام می‌دهند مسئولان دانشگاه علوم پزشکی مشهد در واکنش به اعتراض‌ها اعلام کردند که پرداخت‌ها «نظم‌نسبی» دارد و در ۱۰ روز گذشته دو نوبت کارانه پرداخت شده است. آنها همچنین گفتند که میزان معوقات نسبت به گذشته، کاهش یافته و افزایش کارانه‌ها بلافاصله در دانشگاه اعمال شده است. با این حال پرستاران این توضیحات را کافی ندانستند و معتقدند، پرداخت شده است. آنها همچنین گفتند که میزان معوقات نسبت به گذشته، کاهش یافته و افزایش کارانه‌ها بلافاصله در دانشگاه اعمال شده است. با این حال پرستاران این توضیحات را کافی ندانستند و معتقدند، فاصله میان وعده‌ها و واقعیت همچنان زیاد است. آنان تأکید دارند که افزایش‌های ناچیز یا پرداخت‌های مقطعی نمی‌تواند، بحران معیشت و تبعیض مزدی را حل کند.

فراتر از مشهد

اعتراضات مشهد بخشی از اعتراضاتی است که طی اسامال در شهرهای یاسوج، زنجان، بوشهر، اهواز، سنج، شیراز و تهران نیز دیده

تخریب ابنیه تاریخی اعتراض می‌کنند. کارزار همچنین به دو پروژه مروی سنتر و بازار طلای خاورمیانه اشاره می‌کند که بدون تأمین پارکینگ و با عمق ۲۰ متر گودبرداری، مجوز گرفته‌اند و نسبت به خطر فرونشست، ترافیک و تهدید خروج کاخ گلستان از فهرست یونسکو هشدار می‌دهد. در بندهای دیگر، کارزار خواستار توقف پروژه تا روشن شدن ابعاد حقوقی، ممنوعیت گودبرداری در حریم قنات مهرگرد، بازنگری مجوزهای صادره در یک سال اخیر و تهیه طرح ویژه برای بافت‌های عودلاجان و ارگ می‌شود.

دستور توقف وزیر میراث فرهنگی

در نهایت سیدرضا صالحی‌امیری، وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی در واکنش به این فشارها ظهر دیروز به همراه مدیران وزارتخانه از محدوده کاخ گلستان بازدید کرد. او با تأکید بر اینکه ضوابط عرصه و حریم آثار تاریخی لازم‌الاجراست و «هیچ‌کس حق تخطی از ضوابط را ندارد» دستور توقف پروژه‌های ساختمانی اطراف کاخ را صادر کرد. صالحی‌امیری گفت، آثار تاریخی «امانی در دست مسئولان» هستند و مردم اجازه نمی‌دهند که تاریخ کشور آسیب ببیند. او علت بازدید میانی را بررسی نگرانی‌ها درباره فرونشست و ساخت‌وسازهای غیرمجاز عنوان کرد و از هماهنگی با شهرداری برای توقف پروژه و پیگیری موضوع از طریق دادگستری خبر داد. به گفته او، کمیته‌ای تخصصی به ریاست علی دارابی و با حضور مدیرکل استان تهران، مدیرکل حوزه وزارتی، بیت‌اللهی و طالبیان تشکیل خواهد شد تا وضعیت را بررسی کند. وزیر میراث فرهنگی همچنین از مدیران استان‌ها خواست با شهرداران جلساتی برگزار کنند تا ضوابط مدیریتی هماهنگ شود و تأکید کرد که شهرداری‌های مناطق باید دغدغه حفظ تاریخ را داشته باشند. او یادآور شد که رسالت اصلی وزارتخانه، صیانت و مرمت آثار تاریخی است و هیچ مداخله خارج از چارچوب در عرصه و حریم بناهای تاریخی پذیرفته نیست. صالحی‌امیری به ظرفیت گردشگری محله عودلاجان و ارگ تاریخی تهران اشاره کرد و گفت حدود ۱۴۵ هکتار بافت عودلاجان با ۵۱۰۰ پلاک و ۶۰ بنای ثبت شده همراه با ارگ تاریخی ۳۶ هکتاری و بازار تهران و سایر بناهای شاخص، هسته مرکزی هویت تهران را می‌سازد؛ این محورها باید با حساسیت حفظ شوند تا «هرچ‌ومرج ساخت‌وساز و تخلفات شهری» شکل نگیرد. بر اساس گفته‌های بیت‌اللهی، بررسی‌های اولیه نشان می‌دهد هنوز فرونشست رخ نداده اما مطالعات دقیق‌تری انجام خواهد شد.



شده است. در بسیاری از این استان‌ها پرستاران از تأخیرهای طولانی در پرداخت، اختلاف شدید در کارانه‌ها، اجرای ناقص قوانین و کمبود نیرو گلایه داشته‌اند. اگر دولت برنامه‌ای ساختاری برای حفظ و جذب نیرو تدوین نکند، کیفیت خدمات درمانی در بیمارستان‌های دولتی آسیب جدی خواهد دید و مهاجرت پرستاران، روندی شتابان به خود خواهد گرفت. اعتراضات پرستاران بازتاب سیاسی نیز پیدا کرد. حزب کارگزاران سازندگی خراسان رضوی با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که «از سال گذشته تاکنون نه‌تنها گامی در جهت حل مشکلات کادر درمان برداشته نشده بلکه فعالان صنفی تحت فشار قرار گرفته‌اند». این حزب ضمن حمایت از مطالبات مشروع پرستاران خواستار پاسخ‌گویی مدیریت بهداشت و درمان استان و رسیدگی فوری به ناراضیانی‌های ایجاد شده، شد.

اعتراضات پرستاران مشهد را باید جدی گرفت؛ ترکیب حقوق ناکافی، تأخیر در پرداخت‌ها، تبعیض مزدی، کمبود شدید نیرو، مهاجرت گسترده و اجرای ناقص قوانین، مجموعه‌ای از بحران‌های مزمن ایجاد کرده که دیگر با مسکن‌های مقطعی درمان نمی‌شود. آنچه از مشهد شنیده شد نه فقط فریاد یک گروه شغلی بلکه پژواکی از فرسودگی ساختار سلامت و ناراضیانی اجتماعی است.

دانشگاه

بحران خروج

۶۰ درصد خروج اساتید طی ۴ سال اتفاق افتاده است

مهاجرت گسترده اعضای هیات علمی به یکی از جدی‌ترین هشدارها درباره آینده دانشگاه ایرانی تبدیل شده است. غلامرضا ظریفیان، معاون پیشین وزیر علوم با استناد به آمار رسمی می‌گوید: در ۱۰ سال اخیر ۱۲ هزار استاد دانشگاه از ایران خارج شده‌اند و ۶۰ درصد این خروج، تنها در چهار سال گذشته اتفاق افتاده است. او این روند را نشانه تغییری عمیق در اکوسیستم آموزش عالی می‌داند؛ اکوسیستمی که با ابزار و ذهنیت قدیمی دیگر قابل اداره نیست.

ظریفیان یادآور می‌شود که دانشگاه «عقل نقاد» جامعه است اما این نهاد به جای آنکه در جایگاه راهگشا قرار بگیرد، «در قفس» نگه داشته شده است. با این حال او در سطح کلان از جهت‌گیری وزارت علوم دفاع می‌کند و می‌گوید در دولت چهاردهم، اراده‌ای برای حرکت به سمت استقلال بیشتر دانشگاه‌ها شکل گرفته و وزارت علوم تلاش می‌کند، دانشگاه را «سر جای خودش» برگرداند؛ هر چند در تاکتیک‌ها و اجرای سیاست‌ها هنوز ضعف جدی وجود دارد.

در کنار این هشدار، روایت‌های مسئولان از دانشگاه‌ها، تصویر بحران را شفاف‌تر می‌کند. تنها در دانشگاه صنعتی شریف طی ۷ سال گذشته حدود ۵۰ عضو هیات علمی این دانشگاه را ترک کرده‌اند؛ در دانشگاهی با حدود ۴۶۰ استاد چنین عددی زنگ خطر را به صدا درآورده است. شریف که سال‌ها نماد نخبه‌پروری بوده امروز با خروج تدریجی استادانش با خطر تهی شدن از سرمایه انسانی مواجه است؛ خطری که دامنه آن به دانشگاه‌های دیگر نیز کشیده شده است.

حسین سیمایی‌صراف، وزیر علوم، پیش‌تر با تأکید بر جدی بودن وضعیت اعلام کرده بود: «در چند سال اخیر حدود ۲۵ درصد از اساتید مهاجرت کرده‌اند و این عدد واقعا نگران‌کننده است». او مهم‌ترین دلیل را معیشت می‌داند؛ جایی که حقوق استادان در کشورهای همسایه بین ۴ تا ۷ هزار دلار است و دریافتی یک استاد تمام در ایران به سختی به هزار دلار می‌رسد، در حالی که اعضای جوان هیات علمی ۳۰۰ تا ۴۰۰ دلار می‌گیرند. برای گروهی که قرار است تمام انرژی خود را صرف آموزش و پژوهش کنند این اختلاف به فشار دائمی تبدیل شده است.

در کنار فشار اقتصادی، محدودیت‌های فضای علمی و مداخلات غیرتخصصی هم به عاملی مهم در تصمیم به مهاجرت بدل شده است. همزمان، دانشگاه‌ها و شرکت‌های خارجی با برنامه‌ریزی هدفمند در حال جذب استادان ایرانی‌اند؛ در حالی که دانشگاه‌های داخل با بودجه محدود، امکانات پژوهشی ناکافی و ساختارهای دست‌وپاگیر، توان رقابت ندارند.

